

افغان مینې مارکیت عرضه ککنده
انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی درمنطقه واشنگتن بزرگ
که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند
ارسال پول به همه دنیا بزودترین فرصت با
Western Union
6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150
Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

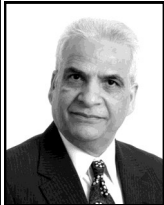
شماره ۱۰۳۴
بنام خدا

د امریکانه
\$1.50

شمارهٔ سوم /سال بیست و ششم / ۲۵ جوزای ۱۳۹۶ / ۱۵ جون ۲۰۱۷ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۳۴

نشانی جریدهٔ امید و محمدقوی کوشان بازهم تغییر کرد.
آدرس جدید پوستی چنین است :
۱۲۲۸۶ Ashmont Ct. # 202 Woodbridge, VA 22192-7075 USA
Tel : 703– 491-6321 email: mkqawi471@gmail.com

بیمه استیت فارم
LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405
703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری
خانه، موتر، صحت



وشرکت مخابراتی روشن درهنگام ازدحام مامورین، کارگران و اهل کسبه با یک انتحاری منحوس انفجار داده شد. قرار راپوراخیر ۱۶۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی را درزمین غلتانید یاجسم شانرا توتَه توتَه بگرد و نواح پراکنده ساخت: اناالله وانا الیه راجعون. روح این تودهٔ معصوم ویگناه که درراه تامبین معیشت حلال بصوب کار و یادفترخودروان بودند در جنت فردوس شادباد و روح انتحاری دراسفل السافلین. صدہافامیل را درین ماه مبارک رمضان تحت نام اسلام وشعارالله اکبرجرریحه داروسو گوار ساخته شد؛ همه مثالهای ییکفایتی مطلق یادست داشتن دراجرای این عمل شنیع ازطرف باند اشرف غنی است. هرکس از افغان و افغانستانی تا شیخ و ملا، یهود و نصارا و هندو این عمل را با چشم گریان تقبیح کردند اما یکدسته فاشیستهای مسلکی ویی مذهب تجلیل نمودند. بناء صبر و حوصلهٔ مردم از خط سرخ گذشت و فیصله نمودند تا به روزجمعه یک راه پیمایی مدنی و مسالمت آمیز را به استفاده ار مادهٔ سی و چهارم قانون اساسی کشور که «آزادی بیان از تعرض مصئون است...»و با اجازهٔ قبلی، براه بیاندازند. این تظاهرات مدنی و مسالمت آمیز جهت درک نتایج حوادث گذشته و اعتراض در مقابل ییدالتی، ییکفایتی، عدم مساوات و بی توجهی دولت غنی احمدزی بود. معترضین در طول راه پیمایی با گاز اشک آور، فروپاشی آب ملوث برسر و روی این گروه روزه داران که با فشارآن تپله و بی توازن میشدند، خلاف مادهٔ ششم قانون اساسی که ازحفظ کرامت انسانی، تحقق دموکراسی... بیان میکند، وربرو شدند. تشدد دولت غنی احمدزی در مقابل این راه پیمایی با این عمل ضد قانون اساسی کافی نبود که درنزدیکی ارگ معترضین بلادرنگ بدون کدام هوشداری برصفوف شان با باران گلوله ناجوانمردانه بیرحمان وظالمان افرادجنرال نیی گل احمدزی قوماندان گارنیز یون ارگ مواجه شدند و جوانها یکی بعد دیگر بشمول فرزند معاون سنا بزمین غلتیدند وجوی خون درهرسو و کنار جریان گرفت. این ها هفت نفرجوانان شهید راه مبارزه برای عدالت خواهی، مساوات و حمایت از قانون اساسی کشور خود بودند که جان دادند وحیات ابدی پر افتخار نصیب شدند که باید هروم و برکابل به اسم هریک شان مسما گردد و عنوان چهار راهی زنبق به چهارراهی شهدای هفت گانه مبدل گردد. این حملهٔ خصمانه از خود ده ها نفر زخمی بجا گذاشت.

آوازه است که حنیف اتمر مشاورا رشد امنیتی اشرف غنی احمدزی وخلقی سابق (یاکنونی) به جنرال احمد زی این امرفریصادر کرده است. این فیر روز منحوس سوم عقرب ۱۳۴۴ مطابق ۱۵ اکتوبر ۱۹۶۵ را به خاطرم زنده ساخت (پوستر) که سه نفر شهید شدند و تعداد زیاد محصلین دانشگاه کابل بشمول خواهرم زخم برداشتنند وماهها ازفیض تحصیل یی بهره ماندند. آن حمله هم از طرف یک جنرال بنام سردارولی برجوانان معصوم که میخواستند دموکراسی را تجربه نمایند رخ داد، آن جنرال امروز در زیر زمین است و یقین دارم که روحش از سزای شدید خداوندی زجر میبیند. آن حرکت به تقویة جپی ها انجامید! ببینیم که این عمل جنرال احمد زی بر وی چه بلا نازل میکند و چه حرکتی ازین بربریت غنی و دارو دسته ای مافیایی اش ظهورخواهد کرد.

متأسفانه غنی احمدزی برکسانی متکی است که داکترنجیب اتکا داشت. اینها کسانی اند که افغانستان را میخوانندبه امارت تبدیل سازند. اینها می خواهند ازرئیس جمهورپلی بسازندتابه اهداف خودبرسند؛ آنگاه همین معتمدین اوخواهدبود که اورا ترورخواهندکرد. رئیس جمهورگفته ستانکزی را فراموش نکنند که میگفت: ستون پنجم در قصرفعال اند!

روز شنبه وقتیکه سوگواران میخواستند فرزند جناب ایزیدیار باشاهمت وصبور را یخاک بسپارندباز انتحاری هایی فرستاده شدتا همه لیبران حزب جمعیت اسلامی را که در صف ادای نماز جنازه ایستاده بودند از بین ببرند که بفضل خدای متعال به این هدف نرسیدند.

دیده میشود که رئیس جمهور تحمل یک صدای بلند عدالتخواهی و مساوات طلبی ملت مظلوم خودرا که دوستدارقانون اساسی اندومیخواهند تجربهٔ دموکراسی بدست آرند، ندارد! پس چگونه توقع دارد که مردم بارهاقتل فرزند، پدر، طفل، خانم، مادر و نان آور خانهٔ خودرا تحمل نمایند. این ییکفایتی رئیس جمهوراست که مردم داغدیده و مظلوم را براه پیمائی اعتراض مجبورساخت تاجواب وطندوستانه از رئیس جمهوربه اعتراضات عدالت خواهی، برابری، مساوات و توقف قتل فرزندان شان تقاضا نمایند.

باتأثرعمیق بایدگفت که: رئیس جمهور برقانون اساسی درهم و برهمی که دیزاین نموده اندپا گذاشت، کرامت انسانی رانادیده گرفت، وحقیقت دموکراسی را بافیر مرمی درهم شکست. ۱۷ سال معاصر پشتونسالاری و زبون سازی افغانستانیا بس است.

رئیس جمهور، برای نیکامی خودش و احمدزیا در تاریخ، وقت آنست که از خواب غفلت بیدار شده ییکفایتهای امنیتی را از دور وپیش خود دور کرده کسانی را جادهد که مستعد، عالم، مجرب وغیر تبعیضی بوده افغانهای (پشتون)و افغانستانی ها را مساویانه ارزیابی نموده بصد فساد عمیق دولتی، پارلمانی، و ستون پنج به اساس قانون، نه به اساس ترس ومصلحت پیشامد نمایند، (دنباله در صفحهٔ۸)

داکتر غلام محمد دستگیر
دوستداران قانون اساسی افغانستان شهید شدند
یکدست شوندمسلمانان چقدرخوب گردند ازین کرده پشیمان چقدرخوب چون عاقبت وحاصل این روبه خرابست سازندرهادست و گریان چقدرخوب هر قوم نماید حتی خوش قناعت لاحول بخوانند به شیطان چقدر خوب آتش زدن یکدیگر کار خردنیست شینند اگر بر سر یک خوان چقدرخوب زین گفت وشنیدی که شنیدم چه حاصل خوانید اگر آیت قرآن چقدر خوب ای عشقزی چون این من و ماسودندلدارد آریم اگر سر بگریان چقدرخوب در شمارهٔ ۱۰۳۳ امید، هفته نامهٔ مردم افغانستان، از نوشتهٔ دانشمند محترم پروفیسر ایمیریت محمد شفیق یونس که در صفحه ۹۸/۹۹ کتاب «اسلام، حامی محیط زیست مخلوقات خداوند...» یک مقولهٔ بایبلی نشر شده است، اقتباس کرده بودم؛ نشان داده شد که این طایفهٔ انتحاریون بی ایمان از تعلیمات تحریبی بایبل استفاده میکنند نه از تعلیمات قرآنی وسنت نبوی (ص) که به صلح، اخوت، عدالت ودوری از ظلم وستم، رهنمائی میکند.

ییکفایتی های دولت اشرف غنی باتصدی های امنیتی های اوکه در مقابل دشمنان قسم خوردهٔ افغانستان ناتوانی وییکفایتیهای متعدد از خود نشان داده اند؛ ازحادثهٔ دلخراش شاه شهید که گلبدین مسوولیت را بدوش گرفت، تا کشتار ریاست محافظت رجال برجستهٔ کشور. تا انفجار ظالمانهٔ شفاخانهٔ ۴۰۰ بستر، تاحادثهٔ جگر خراش دهمزنگ که هشتاد جوان بسر رسیده وتحصیلیافته هموطنان هزارهٔ مارا که فقط عدالت وبرابری میخواستند یخاک وخون غلتانید، تا کشتار نماز گزاران جوانان اردوی ملی ما در قرار گاه ۲۰۹ شاهین تاسقوط مکرر قندز وهیرمند وولسوالی که نتیجه تحقیقات ومحاکمهٔ آن تا هنوز بصورت شفاف اعلان نگردیده ومتهمین شناخته شده آن به سارنوالی معرفی نشده یا اگر معرفی هم شده باشند کس خبر ندارد که نتیجهٔ عمل چیست؟

و بالاخره در روز چهارشنبه پنجم ماه مبارک رمضان که مطابق اول ماه جون ۱۷۲۰ بود درحوالی ۸ صبحوسیلهٔ ترانسپورتی ثقیل که مملو ازفاضل آب چاههای بدرفتها بود، در نزدیک سرک ۱۵ وزیر اکبرخان، ناحیهٔ سفارتخانا

به این ترتیب اوتوانسته است تا محل دفن شهید ایزدیار را که از آن واقف بود، در اختیار گانیز یون کابل گذاشت تاآنها تمام افراد بلند پایهٔ جمعیت را از میان بردارند. اتفاقی نیست که به عبدالله وتصادفاً به دیگران آسیبی نرسیده است. درهنگام انتخابات هم یک نمایش مضحک دیگر که عبدالله را دربرابر مهاجم انتحاری سلامت برآمد هم موجب بروز سئوالات بسیارست، که تا هنوز جواب آن معلوم نیست!

شهادت احمد شاه مسعود، شهادت استاد ربانی، شهادت کاظمی، پرسش های بیشمار دیگرست که کار کرد عبدالله رامورد سئوال جدی قرار می دهد. هیچ کمسیون حقیقت یاب حکومتی تاکنون گزارش حقایق را درز نداده است، و داکتر عبدالله در بالاترین مقام، ازین حقایق پرده بر نداشته، سکوت کرده و آنرا ماستمالی نموده است.

مردم توقع داشتند که امرالله صالح شاید در تحقیقات قندز بعضی از حقایق را باز گوید، شاید داکتر عبدالله به مصلحت خود ندانست که امرالله زبان باز کند وخیات های او را آشکار سازد.

در یک نشست خبری تلویزیون، داکترمجیب الرحمان چنان از حکومت ییکفایت دفاع کرد که انسان شاخ درمی آورد!
این داکتر مانند نطق خود فروختهٔ ارگ، برکناری مقامات امنیتی را که خواست اصلی مبارزان است، به صلاح ندانست واز اتمر و ستانکزی وخپلواک و زی و خیل دفاع نمود. این موقف داکتر عبدالله در برابر عدالتخواهان، احقانه، وطن فروشانه وجاسوس مآبانه است، که هیچ تردیدی در جاسوس بودنش باقی نمی گذارد. رفتار عبدالله در(نشست کابل) حقیقت دیگرست که نقش جاسوسان وخیانتکاران را آشکار می سازد.

عبدالله گویا وظیفه دارد تمام فعالیتهای سیاسی جمعیت رابه مسیری سوق دهد ومهندسی کند که زی ها وخیل هادر قدرت باقی بمانند، واوپهمان کف وکالرش خوش است! وریاست جمهور ووصدارت شعارهای دروغین او است که دیگر نزارباب فضیلت ومردم به هیچ چیزی نمی ارزد!

دراخیر نمی خواهم این پرسش را طرح نمایم که: آیا داکتر عبدالله یک مجاهد عیار است؟ خیر! وقایع آینده نشان خواهد داد که اونه یک مجاهد است، نه یک سیاستمدار، نه یک حامی ومدافع حقوق مردم! واینکه آیا او یک خاین است، یک جاسوس است ویک فاشیست تباری وقوم طلب، اظهارن اشمس می باشد، مگر حضرت مولینای بلخ نفرموده که:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش!

پروفسرداکترعبدالواسع لطیفی

نامهٔ انجمن صلح ودموکراسی برای افغانستان

عنوانی سرمنشی سازمان ملل متحد

ترجمهٔ فارسی دری نامهٔ فوق الذکررا وقتی رویدست میگیرم، که متن انگلیسی چندروزقبل به آدرس محترم سکرترجنرال سازمان ملل متحدآقای آنتونیو گیوترس به مقررآن سازمان درنیویارک به تاریخ یازدهم جون یعنی قبل ازحرکتش بطرف افغانستان، ارسال گردیده است، واین را جزء یک تصادف نیک به شمارمی آوریم، که امیداست ثمر نیکی هم به خیرمردم مظلوم و رنج رسیدهٔ افغانستان دربر داشته باشد .

بهرحال، شورای عالی انجمن درجلسهٔ یازدهم جون خویش تحریرچنین نامه را درآجندهٔ مربوطه موافقت نمود. اینک ترجمهٔ آنرا به مطالعین نهایت ارجمند تقدیم می دارم :

آقای محترم و عزیز آنتونیو گیوترس، سکرترجنرال سازمان ملل متحد !

انجمن صلح ودموکراسی برای افغانستان، یک سازمان غیرانتفاعی توسط یک تعدادافغانهای سکالر، مهاجر شهروند ایالات متحدهٔ امریکا تشکیل یافته، از مدت بیست سال به اینطرف درراستای تحکیم صلح وشکوفانی ودموکراسی کشور جنگزدهٔ افغانستان، که یک عضو سابقه دارسازمان ملل متحد، وهم یک هم پیمان ایالات متحدهٔ امریکا میباشد، فعالیت بهیخواهانه مقتضی داشته است.

مبارزان آزادی وپرازقهرمانی های افغانستان همیشه درمقابل دشمنان خارجی، حمله آوران وعناصر تروریست که ازخارج خاصناً ازسرحدات پاکستان وارد افغانستان می شوند، مبارزه نموده اند.اخیراً تروریستها میخواهند یک پایگاه پرامن برای مقاصدتخریبی واهداف شوم مصیبت بارخوددر داخل کشور بدست آورند.

همان طوری که شما و تمام جهان آزاد از طریق رسانه های خبری و شبکه های تلویزیونی مشاهده نمودید، در چند هفتهٔ اخیر چندین حملهٔ فاجعه ناک وخون ریزی انفجارات درکابل صورت گرفت .

درطول تاریخ مبارزان آزادی ومردم صلحدوست افغانستان، موفقیت های بزرگی را دربرابردشمنان ومهاجمین خارجی برای حفاظت خاک خود بدست آورده اند، ولی حالا درچنین حالت وشرایط فاجعه ناک جاری، افغانستان به کمک و پشتیبانی عاجل ممالک دوست ودرقبال همه اقدام مقتضی سازمان ملل متحد را ضرورت دارد.

ما آرزومندیم تامجریان ودست اندرکاران سازمان ملل متحد (لیدرشب آن) اجرائتی را رویدست بگیرندتا هرچه زودتر جلواین مداخلات و ورود تخریبگران جنگ افروز، که اسلحهٔ قتاله وبمبهای ویرانگر وموادمنفجره باخود حمل میکنند، بطورقاطعانه گرفته شود. این گروههای تروریست بعضا نواحی ومناطق آرام وصلحدوست افغانستان را نیزبرای مدتی اشغال می کنند.

دراخیر این نامه ما توجهٔ شما را به راپوری که به تاریخ هفتم جون ۲۰۱۷ روزنامهٔ معتبر واشنگتن پوسـت راجع به حالت کنونی افغانستان وجریان کنفرانس بین المللی صلح منعقدۀ کابل به نشررسانید، احتراماً جلب مینماییم : «آرزو میروود این کنفرانس درکابل، روشنی هایی رادرواشنگتن تبارز دهد، این گفتار راداؤود مرادیان مدیرانستیتوت مطالعات استراتژی یک درکابل اظهار نموده است. درشرایط کنونی منطقه به این مسأله مطمئن نیست که آیا ایالات متحدهٔ امریکا جزء معضله خوانده میشود یا جزء حل مسایل مربوطه؟ اما حکومت افغانستان بخاطر جدایی های روزافزون خود جزء این معضلات به شمارمی آید. سفارت ایالات متحده دریک بیانیهٔ خود اظهارنموده که حملات اخیر درکابل، توجه وکمک تمام آتھایی راکه صلح راپشتیبانی می کنند ایجاب وتقاضا می نماید تاتعهدات خود را دوباره جدا بررسی کنند و به مقابل تروریسم باتمام اشکال آن به مجادله ومقابله دست به عمل شوند.»

این واقعیت توجه واحساس سازمان ما، انجمن صلح ودموکراسی برای افغانستان را بخود معطوف ساخته وازجناب شما (محترم سکرتر جنرال سازمان ملل متحد) تقاضا می کند تانفوذ وتأثیرثمر بخش سازمان ملل متحدرا در جهت بهبود اوضاع افغانستان، طوریکه لازم میدانید، بکاراندازید.

باعرض حرمت، داکترعبدالواسع لطیفی، رئیس انجمن صلح و دموکراسی برای افغانستان .
شهرالکسندریه، ایالت ورجینیا، ۱۵جون ۲۰۱۷ /

Mail Weekly

2002 Mayflower Dr.
Woodbridge, VA 22192 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

مجددی: خدا از راهبندی‌ها آزرده می‌شود

۱۲ جون/ کابل – ۸ صبح کابل : هم‌زمان با ادامه اعتراضات علیه حکومت و افزایش شکایت شماری ازیاشندگان شهرکابل ناشی از بندش جاده‌های اصلی این شهردرنتیجه برپایی خیمه‌های تحصن از سوی هواداران «رستاخیز تغییر» «صیغت‌الله مجددی رهبر حزب جبهه نجات ملی، میگویدمسدودساختن جاده‌ها «گناه بزرگ «بشماررفته باعث «آزردگی «خداوندمیشود. اوکه روز یکشنبه، ازآدرس شوراییعالی احزاب جهادی صحبت میکرد، ازهواداران «رستاخیز تغییر «خواست تا به اعتراضات‌شان پایان داده و بیش از این برای رفت‌وآمد شهروندان کابل مشکل خلق نکنند. وی خطاب به معترضان گفت: «من منحیث موی‌سفید مصلح از شما عزیزان تنها دارم تا در ماه مبارک رمضان از مسدودساختن راه‌ها و ازاذیت ملیون‌ها شهروند کابل جلوگیری کنید، [بندش راه‌ها] یک گناه بزرگ است، پروردگار از این آزرده می‌شود.

مجددی گفت پس از برپایی خیمه‌های تحصن و افزایش ازدحام ترافیکی در نتیجه برپایی این خیمه‌ها، شهروندان با مشکلات جدی در رفت‌وآمدشان مواجه شده‌اند. بیماران به شفاخانه نمی‌رسند، کودکان با دشواری‌های زیاد به مکتب می‌روند، پیشه‌وران و دست‌فروشان از کار بازمانده و بر سفره‌های خود چیزی تهیه کرده نمی‌توانند. او ازمسدود شدن جاده‌های اصلی شهرکابل به عنوان یک اقدام «ظالمانه «یاد کرده گفت که پی‌آمدهای آن ممکن باعث «نزول قهر وغضب الهی «شود. نامبرده افزوداو حاضراست برای تحقق خواست‌های «معقول «معترضان وارد اقدام شده و برای حل تنش موجود میان هواداران «رستاخیز تغییر «و حکومت پادرمیانی ومیانجیگری کند. او افزود راه‌اندازی تظاهرات و درخواست انجام اصلاحات در حکومت حق شهروندان است، اما تأکید بربر کناری شماری ازمقام‌های دولتی در شرایط موجود مناسب نیست. مجددی می‌گوید: «نظر به ضروریاتی که وجود دارد، نظر به حوادثی که افغانستان امروز با آن مواجه است، این را مناسب نمی‌دانیم که در این وقت اشخاص بزرگ حکومت برطرف شوند، ما از حکومت اصلاحات قاطع می‌خواهیم و حکومت باید خود را اصلاح کند.

هم‌چنین حزب جنبش نوین نیز که به تازگی اعلام موجودیت کرده، خواستار دوام کار حکومت وحدت ملی شده و نسبت به درخواست هواداران جنبش «رستاخیز تغییر «واکنش نشان داد. عالم ساعی والی پیشین جوزجان و متحد اسبق جنرال دوستم وسرپرست حزب جنبش نوین گفت برخی از افراد هنوز هم تلاش دارند تازدامن‌زدن به مسایل قومی وسمتی نفع ببرند، اما از تنش‌های موجود هیچکسی سود نخواهد برد. ساعی با تأکید بر این که حکومت وحدت ملی مسوولیت دارد تا امنیت تمامی شهروندان را تامین و اصلاحات «عمیق و بنیادی «با درنظر داشت شایسته‌سالاری و بدور از مسایل قومی وسمتی در نهاد های امنیتی رویدست گیرد، افزود: «نظام کنونی ما یعنی جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس اراده قاطع مردم کشور در قانون اساسی تسجیل گردیده و شرایط تغییر آن نیز در این قانون پیش‌بینی شده است، بنا هر نوع تلاش در راستای تغییر نظام را خلاف قانون دانسته و چنین حرکات غیرعقلانی جز ریختن آب در آسیاب دشمن، چیز دیگری تلقی نمی‌شود.

حزب جنبش نوین نسبت به درخواست‌ها برای برگزاری انتخابات پیش از وقت نیز واکنش نشان داده می‌گوید که این درخواست‌ها تلاشی برای ترویج فرهنگ «غلط «(دیگردردموکراسی نویای افغانستان بشمارمیرود. رهبراین حزب میگویدحکومت وحدت ملی باید معیاد قانونی خود را تکمیل کند. او تأکیدکرد برخی از چهره‌های سیاسی با تشکیل ایتلاف‌های جدید قومی و سمتی در تلاش باج‌گیری سیاسی هستند. آقای ساعی از این چهره‌ها نام نگرفته اما گفت: «شکل‌گیری ایتلاف‌های قومی و سمتی در کشور بیشتر به منظور باج‌گیری سیاسی و منافع شخصی چهره‌های معلوم‌الحال سیاسی صورت می‌گیرد. این رسم نامیون همواره به منافع ملی ضربه زده و گره دیگری را بر مشکلات موجود سیاسی، امنیتی و اجتماعی می‌افزاید.

حزب گلبدین نیز درقبال تنشهای موجودواکنش نشان داده نسبت به دیگر احزاب سیاسی و جهادی موضع تندتری در برابر هواداران جنبش رستاخیز تغییر گرفته است. این حزب در بیانیهٔ برپایی خیمه‌های تحصن توسط هواداران جنبش رستاخیز تغییر را «هوس‌بازی‌های بیجه‌گانه «توصیف کرده میگوید شعارهای «رستاخیز وقیام «در جاده‌های کابل «هرگز «قابل تحمل نیست.این حزب اسلامی دریانیه‌هشارآمیز خود تأکید کردهرگاه حکومت برای چیدن خیمه‌ها اقدام نکند، مردم خود اقدام خواهند کرد. حزب که تا چندماه قبل مصروف فعالیت‌های تروریستی علیه دولت و شهروندان افغانستان بود، در این بیانیه گفته است: «اگر حکومت اقدام نکند مردم کابل وادار خواهندشد تاخوداقدام نموده و شهرشان را از آشوب‌ها و اقدامات ماجراجویانه نجات دهند، مسوولیت عواقب به دوش کسانی خواهد بود که این ماجراها را مهندسی کرده‌اند و به آزار و اذیت مردم می‌پردازند.

دستور از حکومت : اما جنبش رستاخیز تغییر میگویدبرخی از احزاب سیاسی و جهادی طی روزهای اخیر بنا به «دستور حکومت «در برابر اعتراض و دادخواهی این جنبش از خود واکنش نشان داده‌اند.هارون معترف از رهبران رستاخیزتغییرمیگویدحکومت تلاش داردازبرخی ازاحزاب بعنوان ابزار فشار بالای جنبش استفاده کند. اوگفت: «باور ما این است که واکنشهای گروهی و حزبی بیشترین‌شان از حکومت آب می‌خورد و این‌ها دستور گرفته‌اند تا دادخواهی مردم افغانستان را به چالش مواجه کنند که نمی‌توانند.او با اشاره به اظهارت مجددی درباره بندش جاده‌ها در نتیجه برپایی خیمه‌های تحصن از سوی هواداران جنبش رستاخیز تغییر، میگویدآقای مجددی در مراحل مختلفی از سوی حکومت به عنوان «بزار «(مورد استفاده قرار گرفته است. وی تأکید کرد که این اعتراض و دادخواهی به منظور توقف روند کشتار شهروندان و وادار ساختن حکومت به تامین امنیت مردم راه‌اندازی شده است.

اعتراضات علیه ناتوانی‌های حکومت به ویژه نهادهای امنیتی پس از حمله خونین «چهارشنبه سیاه «در کابل راه‌اندازی شد. هنوز معلوم نیست که چه زمانی به این اعتراضات خاتمه داده شود. /

محمد طاها کوشان

فریمونت، کالیفورنیا

راه همین است. و الا از زندگی دست بشویید !

زیرکی راگفتم این احوال بین، خندیدوگفت: صعب روزی، بوالعجب کاری، پریشان عالمی. حافظ (رح)

دوست دوشنداتی من از کابل پیام زیر راهمراه بافوتویی از راه دریچه پیامگیرفرستاده وهم پرسشی دارند؛ نوشتهٔ شانرا برداشتم اینجاسپاندم :

«آقای کوشان صاحب سلام !بارسال این عکس میخواستم نظر شما را بدانم، درحالیکه چپ وراست اقوام از درآشتی ومحبت باهم نزدیک میشوندنقش ماچه خواهدبود؟»

به پاسخ این همشهری کابلی خویش می پردازم : ما درپنج بارنیایش روزانه خویش سی ودو بارسوره فاتحه رامی خوانیم، اما تا همین امروز من نیز معنی آنرا نمی دانستم . اکنون سگالشی نمودم و میدانم. و آن اینست:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ – بنام خداوند جهاندار بخشنده ای مهربان.
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
۲ ستایش نیکو ودردود و سپاس خداوند بزرگ و بلند جایگاه بی‌هتا و یگانه راست.
الرَّحْمَنُ الرَّحِیْمُ
۲ که فراخ بخشایش بی نهایت مهربان است.
مَالِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ
۳ پادشاه روزشماروپاداش است.
إِیَّاكَ نَعْبُدُ وَإِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ
۴ خاص ترا میپرستیم و خاص ازتویاری میخواهیم.
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ
۵ رهنمون باش ما را براه راست.
صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغضُوب عَلَیْهِمْ وَالاِضَّالِیْنِ
عَراه کسانی را که نوازش کردی وبر آنها نیکویی نمودی. نه راه (کسانی را) که خشم برایشان شده و گم کرده راهان را.*

مهمترین دستور خداوند «إِنَّ اللَّهَ لَا یَغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوْا مَا بِاَنفُسِهِمْ وَإِذَا اَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سَوْءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُوْنِهِ مِنْ وَّالٍ
۱۱ «خداوند، سرنوشت هیچ قومی (و ملتی)را تغییر نمی دهد، مگر آنکه ، آنها خود ، تغییر دهند. آیت ۱۱ سوره ۱۳ رعد.*»

و نیز خداوند هرکسی را که از ظالمان پشتیبانی میکند دوست ندارد و نیز آنکسی که خاموش می نشیند، همراه ظالم حساب می گردد.

عالمی دیگر بیاید ساخت و از نو آدمی

سنگ بنیاد زندگی ما را خداوند بخشنده ومهربان به خواندن ، نوشتن، اندیشیدن «تفکر »، چاره اندیشی «تدبیر »و پیدا نمودن و بکارگیری هوش وخرد «تعقل » گذاشته و بار بار استوار ساخته و تأکید فرموده، انسان را جانشین خودش نیز ساخته است یعنی «خلیفهٔ الله».

پس کارهای روزمره مانرا به خودمان واگذار نموده تابخوانیم و بدانیم، باندیشیم وباهوش وخردخویش چاره بسنجیم وراه خویش را درتاریکی درکوه ودشت وجنگل وهمه سختیهاوکوره راه های زندگی با سگالیدن، کنکاش وکتجاکوی؛ پیدا نمایم ونیزیک کار بسیار مهم که جلو نفس لوامه را بگیریم، با بوریا بسازیم تا قدرباب گردیم– اما کلدار، درهم، دینار، دالر، روبل ، طلا، لاجورد، رخام، سنگ شاه مقصود و کاخ ها؛ نام مارادزد، رشو تخور، مال مردم خور، بی وقار و... میسازد که باید پرهیز کرد .

من از سال ۲۰۰۵ چندین بار نوشتم که امریکا و یارانش از غم ما مردم شب پای لیج نمی خوانند و به غم من و تو هم نیستند و خون افغانستانی هم هیچ ارزشی برایشان ندارد. ازاین سبب ما بایدخود، غم زندگی و آینده فرزندان خویشرا بخوریم؛ اما شوربختانه به ویژه تاجیک و هزاره وترک وبلوچ ماهیج ازخواب گران بیدارنمی شوند و به خود نمی آیند. مثل داریم که: هنگام کشتن، گنجشک پنبجالهای هردوپای نازک و باریک خویش رادر دم کارد بندمی کند.

در همین یک ونیم دههٔ گذشت چند هزار نفر را دشمن کشته و سر بریده وپوست ومثله نموده اند؟ وما دربرابرآن چی کردیم؟ برادری و برابری یعنی چی؟ در زندان یک قوم است بایداز اقوام دیگرنیز به زندان انداخته شوند؟

برادرم ازخواب گران برخیزید وهمه دست بدست هم دهید ویکبارده هزار نفرکشته خواهی شد؛ مگر ملیون ملیون هم میهن و همشهری های خویش را از دست این دجالان جاهل و کافر بی دین رهایی می بخشی.

همه جوانان میهن تعصب و خودبزرگ بینی و خود محوری وخود ستایی را به زباله دان تاریخ بریزید و از چند دستگی و پراکندگی پرهیزند همان عیاران و کاکه های با شرف همه در یک خط ،شانه به شانه، پشت و پناه و دستگیر یک دیگر خود شوید و درسراسر میهن با یک رستاخیز حماسه قرن ۲۱ را بیآفرینید و این مشت مزدور، خائین تهکار قلدر و دانگه ایی را چنان کنید که دیگر کسی جرئت چنین افکار الحادی و فاشیستی را اندیشه نکند.

راه همین است. در غیر این از زندگی دست بشویید.

در این مضمون تا بانگ اذان یگاهی میتوان گفت و نوشت. ولی این مجمل را با گزیده ایاتی چند از دفتر دوم مثنوی شریف مولانا جلال الدین محمد بلخی (رح) به پایان می رسانم.

یک قدم زدآدم اندر ذوق نفس شدفراق صدرجنت ، طوق نفس همچودیوازوی فرشته میگريخت
بهر نانی ، چند آب چشم ریخت
گرچه یک موبد گنه، کوجسته بود
لیک آن مو در دودیده رسته بود
بود آدم، دیدهٔ نور قدیم
موی در دیده بود کوه عظیم
گردر آن آدم بکردی مشورت
در پشیمانی ، نگتسفتنی معذرت
زانک باعقلی جوعقلی جفت شد
مانع بدفعلی و بد گفت شد
نفس با نفس دگر، چون یارشد
عقل جزوی عاقل و بی کار شد
چون ز تنهایی تو نمیدی شوی
زیر سایهٔ یار ، خورشیدی شوی
رو یجو یار خدایی را تو زود
چون چنان کردی، خدا یار تو بود
آنک درخلوت نظربردوختست
آخر آن را هم ز یار آموختست
خلوت از اغیار باید، نه ز یار
پوستین بهردی آمد ، نه بهار
عقل با عقل دگر دو تا شود
نور افزون گشت و ره پیدا شود
نفس با نفس دگر خندان شود
ظلمت افزون گشته ره پنهان شود
یار چشم تست، ای مرد شکار
ازخس و خاشاک او را پاک دار
(دنباله درصفحهٔ هشتم)

داکترسخی اشرف زی سید کاغذ
سندیاگو، کالیفرنیا

احیای شاهراه ابریشم در قرن بیست و یک کنفرانس بزرگی درپیکینگ کشور چین بتاريخ ۱۴ و ۱۵ می ۲۰۱۷ برگزارشد که نمایندگان ۱۰۰کشورجهان درآن اشتراک داشتند ونمایندگان ۵۸کشور شرکت کننده موافقه همکاری با چین را در این زمینه به امضا رسانیدند.این کنفرانس تحت عنوان «یک کمر بند – یک راه» نام گزاری شد که بعضی آنرا موسوم به «جاده ابریشم نوین»نیز یاد کرده اند دراین نشست بزرگ بین القاره یی ۲۸ رئیس های جمهور رهرا ن سیاسی بسویه وزرا و ۶۵ نمایندگان ونهاد های معتبراقتصادی کشورها اشتراک داشتند ولادیمیرپوتین رئیس جمهورروسیه رجب طیب اردوغان رئیس جمهورترکیه و نورسلطان نظربایوف رئیس جمهورقزاقستان وآنتونیو گورتزدریر کل سازمان جهانی موسسه ملل متحد وسایر رهبران سیاسی داشتند.

دراین کنفرانس صرف امریکا وجاپان اشتراک نداشتند وامریکا مخالفت خود را با این نشست بزرگ جهانی اعلان کردند و چین را متهم به انحصار طلبی ملزم نمود وجاپان به دلایل تاریخی ازطرح احیایای راه ابریشم در قرن ۲۱ نیز مخالفت خودرا ابراز و چین را رقیب آسیائی خود میداند وحتی جاپان درسال۲۰۱۵ طرح های زیربنایی برای کشورهای اسبائی برای یک پلان پنج ساله رادرنظر گرفته بودوبرای تحقق این طرح مبلغ ۱۱۰ میلیارد دالر به منظور سرمایه گزاری هزینه کرده است.

ایران از این نشست استقبال و برای عملی شدن این پلان همکاری های همه جانبه را ابراز کرد آلمان توسط وزیر اقتصاد این کشور اشتراک داشت ولی آلمان انتقاد داشت که شرکت های آلمانی بخصوص صنایع موثر سازی نمی تواند که مستقیما در بازار های چین راه یابند وبرای ورود در مارکیت صنایع موثر سازی اجبارا با شرکت های خودرو سازی چین همکاری داشته باشند

وزیر اقتصاد آلمان تاکیدی بر تجارت آزاد ومارکیت بازدر کنفرانس نمود کشور های اروپایی بخصوص المان نا رضایتی خودرا ومحدودیت های که دربازار چین مانع فعالیت مطلوب شرکت های اروپائی دراین کشور شده اظهارداشت ولی در گفت و گو با رئیس جمهور ونخست وزیر چین درارتباط باز شدن بازار های چین برای رقابت های عادلانه شرکت های تولیدی آلمان تا کید ورزید .

اتحادیه اروپا نیز در کنفرانس راه جدید ابریشم در پیکینگ نیزاختلافاتی به خصوص درارتباط بازار آزاد باچین به میان آمدمگرچه چین وعده سپرده که شرایط بهتری برای فعالیت شکرت های خارجی فراهم سازد اما این وعده نیز نتوانست که از نگرانی اتحادیه اروپا بکاهد .
شی جین پنگ رئیس جمهور ورئیس حزب کمونیست چین درارتباط به اهداف برگزاری این کنفرانس گفت که ما امیداورایم که همکاری های نزدیک طرح راه ابریشم جدید کشورهای عضو را به توسعه وپیشرفت های اقتصادی نایل سازد.

در این نشست شی جین بینگ اعلان نمودکه چین بیش از ۱۰۰میلیارد یورو را برای تحقق این طرح اعتبار پولی ومالی را برای ساختار بنادر شاهراه ها وخطوط آهن وسایر زیرساخت های اقتصادی کشور های عضوتامین خواهد نموده هزینه این طرح عظیم از طریق بانک سرمایه گذاری آسیا که با سرمایه یکصد میلیارد دالر امریکا در سال ۲۰۱۳به همین هدف تائیس شده بود، تامین میشود.

سهم چین دراین سرمایه گذاری ۵۰میلیارد دالر است.رهبران سیاسی چین تاکید ورزیدند که در روند اجرای این پروژه بزرگ اصول مذاکره وسازندگی وبهره برداری مشترک را رعایت خواهند نمود وشرکت کنندگان دراین نشست درباره موضوعات مختلف مانند توسعه زیر ساخت ها وجگونگی سرمایه گذاری همکاری های اقتصادی وتجاری کیان کشورهایی که در مسیر جاده ابریشم قرار دارند وتامین انرژی ومنابع آن همکاری های مالی تبادلات فرهنگی محیط زیست کمک وهمکاری های دریایی با یکدیگر مذاکرات را راه اندازی میکنند.

باتاسف که مسیرابریشم نوین افغانستان رادر برنگرفته وزیاد ترین بهره را کشورهای آسیای میانه پاکستان وایران درمنطقه برده، واین ارتباط میگیرد به نبود دانش کافی سیاسی واقتصادی درکشور که نتوانست در این کمربند بزرگ اقتصادی کشورهای منطقه گنجانبیده شودوصرف از طریق تاجکستان وقرغیزستان به این مسیر راه یابد که آنهم مربوط به شرایط سیاسی دو کشور همسایه خواهد بود .

سید آقا هنری
هامبورگ
نماز سرکاری و کورس پشتو
باری در روزنامهٔ انیس مضمونی در بارهٔ خاندان شاهی نشرشد که در آن کلمهٔ «طرار» آمده بود، جوایس شان به هاشم خان نادرست تعبیر کرده بودند، او صلاح الدین سلجوقی بزرگ ودانشمند، آنزمان رئیس مستقل مطبوعات وهیئت مطبوعاتی راجهت تشریح آن مضمون خواست. آن مرد فهم به قناعتش پرداخت. وقت نمازیشین بودوامام آذان گفت تابه نمازبایستند، اما عبدالرحمن پژواک نایستاد. درراه بازگشت سلجوقی صاحب از مبارزجویای اذانکردن نمازشد، درجواب شنیدکه وضو نداشتم، برایش گفته کدام پدر ل...وضوداشت؟ نمازسرکاری بود ایستادمی شدی !

آقای محترم غلام احمد عمید مستوفی ولایت کابل برایم گفت وقتی ما درهرات باستان مهدتمدن، شامل مکتب شدیم همین قانون که زبان ملی باید پشتو باشد به امرظاهرشاه اجرا میشد، چهارسال کامل ما به باد فنا رفت، چیزی یاد نگرفتیم بالاخره این قانون لغوشد.

امابرای مامورین دولت قانونی وضع کردندناهفتهٔ دوباریک یک ساعت باید پشتوفرآگیرندو کسانیکه سمسترششم رامؤفقانه بسربرساندمبلغ پنجاه افغانی درمعاش شان افزوده میشد. بنده الله که دروزارت زراعت مامور فنی بودم هم شامل این قاعده شدم. معلم پشتوی ما از ولایت لوگر بود، زبانه به پشتو کمی میگشت چون بعد صنف چهارم درمکتب مضمونی

داکترعبدالخالق لغلزاد
لندن
تقسیم بندی تاجیک ها

قوم یک مقوله زبانی – فرهنگی است که به علت جدایی از مادر خود و عدم ارتباط با آن در یک پروسه دراز – مدت به قوم یا زبان و فرهنگ دیگری تبدیل می شود و یا در اثر یکجایی و اختلاط با اقوام یا زبان و فرهنگ های دیگری از بین می رود. زبان و فرهنگ همچنانکه در اثر توجه و مواظبت دولتمردان و پاسداران آن می تواند رشد و انکشاف نموده و افتخار بیافریند، در اثر تجاوز و عدم توجه و مواظبت دولتمردان و پاسداران آن می تواند با آهستگی از بین برود. در طول تاریخ، بسیاری از اقوام و قبایل از بین رفته اند یا زبان و فرهنگ خود را از دست داده اند و یا به علت ترس و زنده ماندن و یا به خاطر اینکه مورد غارت و تاراج قرار نگیرند، هویت قومی – قبیله‌ی یا زبان و فرهنگ دیگری را پذیرفته اند و تعدادی هم برای خود شجره های تبار نموده و خود را به خانواده های اقوام، پیامبران، سلاطین و یا شخصیت های مشهور تاریخی منسوب ساخته اند، به این ترتیب، قوم یا زبان و فرهنگ یک مقوله تاریخی، قابل تغییر و حتی «انتخابی» بوده است. از طرف دیگر، پیشرفت های علمی نشان می دهد که انسان های معاصر از نگاه ژنتیک– بیولوژیک منشای واحدی داشته و حتی تفاوت های چهره و رنگ جلد افراد که از آن اکثرا به عنوان «ژاد» یاد می شود، عمدتاً محصول زیست دراز– مدت در شرایط اقلیمی متفاوت بوده است. یک آزمایش ساده ژنتیکی نشان می دهد که هر یک از ما با فیصدی های متفاوت مربوط به مناطق یا اقوامی می شویم که حتی تصور آن هم در ذهن ما نمی گنجد!

واژه «تاجیک» که به عنوان یک قوم در منابع تاریخی اکثرا در کنار واژه «ترک»و در مورد «پارسی زبانان»به کار رفته است، پیشینه حد اقل یکهزار ساله دارد. گرچه با ایجاد مفاهیم جدیدی چون دموکراسی و حقوق شهروندی که فرد واحداساسی آن را می سازد، مقوله قوم اهمیت سیاسی خود را از دست می دهد، با آنهم زبان و فرهنگ پارسی که روزی در سراسر جاده ابریشم کار برد داشته و از کلکته تا استانبول زبان دربار ها بوده، گنجینه عظیم تاریخی و فرهنگی ایجاد کرده که افتخار جامعه بشری بوده و مواظبت و پاسداری از آن نه تنها وظیفه تاجیک ها، بلکه رسالت تمام اقوامی است که در ایجاد، پخش و گسترش آن سهم تاریخی داشته اند و یا افرادی که امروز گویندگان آن اند .

حاکمان قومگرای کشور درجریان یکصدسال گذشته، نه تنها زبان و فرهنگ پارسی را مورد تاخت و تازقرار داده اند، بلکه با استفاده از تمام امکانات دولتی تلاش کرده اند زبان، فرهنگ و حتی هویت قومی خود را بالای سایر اقوام «تحمیل» نمایند. با در نظر داشت این مسئله، تاجیک ها را از نگاه سیاسی – اجتماعی می توان به سه کتگوری زیر تقسیم کرد:

۱. تاجیک های واقعی : کسانی که جرات و شهامت این را دارند که خود را تاجیک می نامند (زیرا باور دارند که افغان هویت قوم عزیز پشتون است) و فعالانه برعلیه سیاستهای فاشیستی، قومی – قبیله‌ی و تحمیل زبان، فرهنگ وهویت قومی بالای خود ودیگران مبارزه ومقاومت نموده وطرفدار دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی می باشند؛

۲. تاجیک های بی تفاوت (ترسو و بی خاصیت): کسانی اند که به علت عدم آگاهی یاترس و جین و یا بهانه های داشتن تفکر ملی، فراقومی وغیره، نه جرات و شهامت تاجیک نامیدن خود را دارند و نه حاضر به مبارزه و مقاومت در مقابل سیاست های فاشیستی و قومی – قبیله‌ی اند. این افراد اکثرا خود را «فراقومی»نامیده و مصروف زندگی بدون درد سر و شخصی خود می باشند؛

۳. تاجیک های فروخته شده (معامله گران): کسانی اند که برایشان ارزشهای قومی یا زبانی– فرهنگی به بهانه های منافع والای مردم ومصالح علیای کشور یامنافع شخصی و رسیدن به مقامهای عالی دولتی مفهومی نداشته، عملاً در خدمت سیاستهای فاشیستی وقومی– قبیله‌ی قرارداشته ومصروف پر کردن جیبهای خودمیباشند. گرچه در ادبیات امروزی کشور آنها را «معامله گران» می نامند؛ اما شاید بهترباشدآنها را «عناصرفروخته شده»گفت، زیرا درجریان مبارزات دموکراتیک هیچ حرکت، تشکل و همسویی بدون گفتگو، تفاهم، معامله ولابیگری با سایر افراد، گروهها، احزاب، نهاد ها و دولت ها امکان ندارد؛ انتخاب با شماست ! / (نقل ازسایت جاودان)

زیادمیشد وچلی مسجد ما که از ولایت وردک بود وزبان فارسی دری را نمی دانست وپدر مرحومم مؤذن مسجد مابود، بایدپشتو صحبت می کردم. درکنج صنف ما چلم معلم صاحب بود وماهانه پنج افغانی با مامورینی که علاقه به یادگرفتن زبان پشتو نداشتند، قرارداد داشت، چند فرمعدودی که می آمدند برای من میگفت سیداعاجانه ووايه پشتو، من هم صحیح وغلط پشتولول میدادم. معلم صاحب باچشمان نیمه خواب آلود مایل به خمارچلم میکشید وگاهگاهی خر خر خوابش هم پیدا بود. بعد که در وزارت اطلاعات وفرهنگ رفتم، بامعلم پشتوی ماهنگام معرفت پشتوصحبت کردم، این معامله درگرونج معلم صاحب خورد و دوباره به وظیفهٔ قدیم مقررشدم، اکثرا معلم صاحب چلم زدن میرفت یا بهانه فاتحه بود یا مریض دیدن، صنف بود متلک گفتن وسیدآغای معلم دیده !

بعدابرایم دوستان قصه کردند که قبلاً معلمی بود بدخوی، پیشانی ترش، بد قهر، مثلیکه کاپی داوود خان باشد! روزی ازماموری که چند دقیقه پستر ازشروع درس آمده بود، معلم پرسیده بود ته ووايه روزانه دلته سو خرونه رازی؟ وی درجواب گفته بود دلته کوم خره نه رازی، یو خره رازی هغه معلم پشتو دی ! معلم تخته پاک را گرفته بود ومامور چوکی را، به جان هم افتاده بودند. بالاخره هیئت تحقیق از صدارت آمده و در نتیجه معلم زبان پشتوتبدیل شده بود.

استاد سرآهنگ مرحوم می خواند :

زبان یارمن پشتوومن پشتونمیدانم
ایکاش زبانش می بودی در دهانم/

رستاخیزتغییر و استبداد غنی احمدزی

۱۲جون/کابل– رونامةٔ ماندگار: ظاهرآناتشهایی آغازشده که به شکلی خیمه های تحصن از کابل ودیگرمناطق کشور برچیده شوند. شماری از اعضای کمسیون حل منازعات مجلس نمایندگان، شب شنبه درارگ ریاست جمهوری حضور یافتند ودرمورد اینکه چگونه میان ارگ و معترضان به ناامنی ها و قانون شکنیهاینجیگری کنند، بارئیس جمهور گفت و گو کردند. این نخستین بار نیست که چنین تلاش‌هایی صورت می‌گیرد. درگذشته نیز وقتی مشکلی میان شهروندان و دولت به وجود آمده، عده تلاش ورزیده‌اندبعنوان ثالث بالخیرعمل کرده به اعتراضها نقطهٔ پایان بگذارند.

متأسفانه هنوز عدهٔ فکر میکنداعتراض مدنی یک نوع بداخلاقی است و نباید کسی در برابر دولت خودش دست به چنین کاری بزند. خواست مدنی برای چنین افرادی– مساوی به طغیان وسرکشی به شمار می‌رود. این گونه نگاه به اعتراضهای مدنی، بی‌سابقه هم نیست. دولت‌هاییکه نمی‌خواهند ضعف‌های‌شان برملا شود، به هر شکلی که شده، دیگران را تشویق به آرامش می‌کنند و یا ازطریق عدهٔ به اصطلاح ثالث بالخیر، به اعتراض کنندگان بفهماند که اعتراض‌شان به صلاح مملکت نیست.

اعلامیهٔ حزب گلبدین درمورد برچیدن خیمه‌های تحصن، یادآور چنین نگاهی است. در این اعلامیه تلاش شده که تأثیرهای منفیِ اعتراض‌ها برجسته شده و احساسات مردم راباخودهمراه سازد. اینگونه اعلامیه‌ها که ازچنین نشانی‌هایی صادر میشوند، در گام نخست، با قدرت وارد معامله شده و آنگاه با حیل‌هایی که می‌شناسند، به نفع زمامداران وارد کارزار می‌شوند. اعلامیهٔ این حزب(بدنام وبدکنش) احساسات مردم را نشانه گرفته وبالاشاره به بسته بودن جاده‌ها، اقدام به برپایی خیمه‌ها را عملی غیرقانونی جلوه می‌دهد. شَماری ازاعضای شورای علمانیز از منظر دیگر، خواست دولت را در برجیده شدن خیمه‌های اعتراضی به نمایش گذاشتند. آن‌ها از ترفند شرعی برایِ چنین خواستی بهره بردند و عملاًاعلام کردند که برپاکردن خیمه واعتراض، جوازشرعی ندارد.

مسلمان حُکومت‌ها می‌دانند که چگونه جلو مخالفت‌ها با خود را بگیرند و مانع رسیدن شهروندان به مطالبات‌شان شوند. اگر دولت کاملاً یک دولت دیکتاتور ومستبد باشد، آنگاه معترضان رابابرچسپ‌هایی ازین دست که در پی براندازی نظام بوده‌اند و یا جاسوس کشورهای بیگانه اند و به دستور کشورهای دیگر دست به تظاهرات زده اند، از صحنهٔ روزگار حذف می‌کند. اما اگر دولتی پاسخگو و معتقد به ارزش‌های دموکراسی و حقوق شهروندی باشد، تلاش می‌ورزد که سخن معترضان را بشنود و به آن پاسخ درخور فراهم سازد.

دولت غنی احمدزی تا بحال نشان داده دولتی متکی به ارزشهای مردم‌سالارانه حداقل در رابطه بامخالفان سیاسی ومعترضان نبوده است. ارگ ازتمام گزینه های لازم برای برچیدن بساط اعتراض تابحال سودبرده که هر دولت مستبدی می‌توانست از آن‌ها استفاده کند. پلیس به روی تظاهرکنندگان آتش گشود و تعدادی راکشت وزخمی کرد، ازگاز اشک‌آور و آب‌پاش در برابر تظاهرات استفاده شد، به تظاهر کنندگان برچسپ جاسوس ومزدوریگانه زده شدو سر انجام ارگ عملاً ازپذیرش خواستهای تحصن کنندگان سرباز زد.

غنی به نمایندگان مجلس گفته که بحث برکناری مقام‌های امنیتی زمانی می‌تواندمطرح شودکه دادستانی پس ازبررسی تظاهرات روز جمعهٔ گذشته، به این نتیجه رسیده باشدکه این افراد درجریان تظاهرات اشتباه‌هایی صورت داده اند.

به نظر میرسد که غنی یا ازمسایل اتفاق افتاده در روز تظاهرات بی‌خبر است و یا اینکه چنان در روشنی آنها قرار دارد که نمی‌خواهد هیچ چیزی در این‌باره برملا شود. آیا احمدزی نمی‌داند که روزجمعه به روی تظاهرکنندگان آتش گشوده شده وتعدادی ازآنهاکشته وزخمی شده اند؟ یا این گلوله‌ها از تفنگ تروریرسته شلیک شده بود یا از اسلحهٔ نیروهای حکومتی؟ کی‌ها به نیروهای پلیس درآنروزدستورداده بودند که برتظاهر کنندگان شلیک کنند؟این سوال‌ها نیازمند پاسخ اند و نمی‌توان با افطاری دادن‌ها در ارگ از خون جوانان این کشور گذشت! روزجمعه، جنایتی هولناک در پایتخت کشورآن‌هم بدست مجریان قانون صورت گرفت که نمی‌توان آنرا به‌آسانی فراموش کرد. حالا عدهٔ باجه منطقی ازپایان خیمه‌های تحصن سخن میگویند؟ آیابرای آنها ناامنی ها، کشتارهای سازمان یافته، انتحاری کردن‌ها، اختطاف‌ها و ده‌ها مورد دیگر فاجعه، هیچ معنایی ندارد؟ اعتراض دربرابر حکومتهاحرف تازه و عجیبی نیست. در بزرگ ترین کشورهای جهان، تظاهرات مدنی یک امر رایج است و با وجود آن‌که می‌تواند عوارض جانبی نیز داشته باشد، ولی همه‌گان با احترام و شکیبایی با آن برخورد می‌کنند. تنها معلوم نیست که چرا در افغانستان فوراً مسایل رنگ قومی و نژادی به خود می‌گیرد و عده‌یی از این منظر می‌خواهند دیگران را متهم کنند؟ آیا آن‌هاییکه در چهارراهی زنبق کشته و زخمی شدند، به قوم و زبان خاصی تعلق داشتند که حالاحکومت وایادی آن می‌خواهنبدیه تظاهراً کنندگان چنین برچسپ ناروایی را وارد کنند؟ خون آن‌هاییکه درخیابانهای کابل وهر شهردیگرافغانستان ریخته میشود، آیا ازقوم ونژاد معینی است؟

ارگ بدون شک درپی بدنام ساختن وسبوتاژ رستاخیزتغییر است. برای رسیدن به این خواست خود نیزازهر روش وویکردی استفاده می‌کند تا نشان دهد که هیچ کوتاهی در انجام وعده‌های خودنداشته است. ارگ عملاً با این اقدام‌هابصورت زیرکانه ازگروههای تروریست وجنایتکاری حمایت میکند که به آنهاپیش ازین لقب برادران ناراضی وبعدمخالفان سیاسی داده بود./

پروفسر داکتر عبدالواسع لطیفی الکسندریه، ورجینیا **احمد مسعود جوان را دریابیم!** همین لحظهٔ که تحریر و ترجمهٔ این موضوع را رویدست گرفته ام، یک قطعه عکس خانوادگی قهرمان ملی جهاد ومقاومت ومبارزات برحق مردم افغانستان، قوماندان احمدشاه مسعودشهید پیش چشم نمایان است، و چهرهٔ فرزندش، احمدمسعود در کنار پدرنامدارش یک آیندهٔ درخشان را در مسیر تعقیب آرمان آزادیخواهی و وطندوستی واستقامت تزلزل ناپذیر مسعود بزرگ انعکاس میدهد.

اینک در همین راستا، ترجمهٔ مضمونی را که از طریق انترنت از آژانس فرانس پرس برایم رسیده است، به شما مطالعین ارجمند ارائه میدهم. عنوان مضمون چنین است:«فرزند شیر پنجشیر برای روبرو شدن و



پذیرفتن سرنوشت فعال افغانی اش آماده است.»
امرحضاب، قهرمان ملی احمدشاه مسعود شهید، آقای احمدمسعود احمدمسعود هنگام مراسم نکاحش با دختر کاکایش احمدولی مسعود.
نفر دوم از راست، ردیف نشستگان.

نخستین ظاهر شدن احمد جوان در یک اجتماع بازارک پنجشیر در سن دوازده سالگی صورت گرفت، که با سر وسیمای اندوهگین دریهلوی تابوت پدر حماسه آفرین خویش قدم می زد.

پانزده سال بعد احمدمسعود پسر قهرمان شهیر مبارزات افغانستان، قوماندان مسعود، که به زبان فرانسوی آشنایی داشت واتحاد شوروی وقت را از وطن بیرون راند، ومقابل طالبان سرسختانه ایستادگی کرد، اینک آمادهٔ ظاهر شدن مجدد پس از پدرش در روند کنونی جامعهٔ خود میباشد.

وقتی بدون اطلاع قبلی برسرمقبرهٔ پدر خود رسید، مثل این بود که با لباس سفید پاکیزه و خوش منظر خود بایک تظاهر خاص پدیدار میشود. یک زن افغان با جادر خود مقابل او به زانور افتاد و یک مرد مسن سرشک از چشمان خود پاک میکرد...

احمد جوان همان چشمان تیزبین پدر را دارد، چشمان متفکری که مسعود بامتانت و کارآگاهی بطور جدی ومصمم هر دره وقریه ونشیب و فراز وادبها وراهها ومنازل را با ایستادگی شکست ناپذیر زیر نظر داشت ومحافظه میکرد. (ابر قدرت متجاوز وقت، شوروی با چندین مرتبه حملات آتشبار هوایی وزمینی نتوانست سراو راخم کنند یا زمقاومت ومبارزهٔ پیگیر دستبردارش سازد.)

احمدشاه مسعود با یافتن نام وشهرت (شیر پنجشیر) قوماندان آندسته از مجاهدینی بود که یکی ازدو بزرگترین ابر قدرت وقت رابه زانو درآورد، وبعدرتر در جمع مبارزین اتحادشمال، نیر رادر برابر طالبان براه انداخت. او یک هیرو، یک قهرمان ملی بشمار می آید، ولی خاطرات او در اثر تخریبات ودستبردهای ویرانگران برشهر کابل در طول جنگ داخلی دههٔ ۱۹۹۰ مکدر شد، واما در منطقهٔ مشهور وادی پنجشیر، به فاصلهٔ سه ساعت دور از پایتخت، صمیمیت و هواخواهی او خدشه ناپذیر باقی مانده است. احمدشاه مسعود درنهم سپتمبر ۲۰۰۱ در حملهٔ دونفر گزارشگر بدل و ساختگی، که توسط گروه القاعده، این دستگاه تروریستی بپیت تحفه به طالبان در افغانستان فرستاده شده بودند، به قتل رسید، واین حادثه دو روز پیش از حملهٔ تروریستی بر ایالات متحدهٔ امریکا صورت گرفت.

امروز در شمارش احمد مسعود جوان، پانزده سال پس از آخرین روز پدرش، با خبرنگار آژانس فرانس پرس در محوطهٔ پر گل باغچهٔ فامیلی اش، که با سلسله کوههای رنگین احاطه شده است، روبرو می باشد. او که برای نخستین بار بایک میت، جسد مجروح ویجان پدرش روبرو شده بود، میگوید درین پانزده سال همه چیز تغییر کرده، من در همان سن دوازده سالگی ام، پنداشتم که باید شخصیت دیگری باشم. تمام ساکنین پنجشیر در جمع دیگران در مراسم تدفین قوماندان، در حالی که هنوز طالبان سلطه داشتند، حضور بهم رسانیدند، ومن با خود گفتم جنگ دیگری به وقوع خواهد رسید.

احمد مانند پدرش دست به پشت کمر زیر بار سنگین غم و الم قدم می زد، و جمع بزرگ مردم از عقب وی روان بودند، تلاش و اندیشهٔ مسعود برای آزادی در نهادش پژواک ماندگار داشت.

احمد پس از گذشت چندسالی که بار سنگین میراث مبارزات پدر خود را بر دوش جوانش احساس کرد، به یک پرسش فرانس پرس اظهار نمود که برای مطالعات استروئومی (ستاره شناسی) علاقه ومحبت خاصی داشت، مگر همزمان پدرش به او گفتند حال باید برای حل معضلات افغانستان دست بکارشوی و فرصتی برای سیر در سیارات دیگر نخواهی داشت.

در همین گیرودار زمانی اودر رشتهٔ روابط بین المللی، داخل (کنگزر کالج) لندن گردید. اینکه احمد که به سن بیست وهفت سالگی رسیده است، در تلاش به پایان رساندن دورهٔ تحصیلی خود ومراجعت به وطنش



می باشد، گفت همه کوشش های او برای افغانستان بوده است، و چنین افزود:

احمد مسعود هنگام نگارش کارهای درسی، در کتابخانهٔ دانشگاه کنگز لندن من تحصیل کردم تا دوباره به وطنم برگردم، من تابعیت دو گانه ندارم، در خارج افغانستان من کدام دارایی وجادیدادی هم ندارم. من باتمام شعایرم مایل خدمت وفداکاری برای وطنم هستم. در همین راستا، او اظهار کرد که افغانستان در طول سال۲۰۱۶ فاقد امنیت بوده و حکومت به وعده های خود عمل نکرده است.

به خاطر دوباره فعال شدن وقوت گرفتن طالبان، ایالات متحدهٔ امریکا تهدات نظامی خود را در ماه جون به افغانستان، دوباره مورد تجدیدنظر قرارداد. احمد با وجود داشتن نظر انتقادی به سیاست ایالات متحده، ممنونیت خود را از پشتیبانی بین المللی اظهار نموده افزود که در جنگ عراق، موضوع افغانستان در حاشیه گذاشته شد، و یک رهبری نادرست را عهده دار کارهای کشور ساختند که نتیجهٔ آن همین ناسامانی ودرهم و برهمی امروز است. وی نام های مشخصی رادرین راستا برزبان نیآورد، اما انتقادات او متوجهٔ اشرف غنی(احمدزی) وعبدالله عبدالله بود که به اساس یک توافق شکننده رویکار آمدند. احمد جوان علاوه کرد که احمد شاه مسعود (پدرش) هیچگاه نمی خواست هیچ کس در امور داخلی افغانستان مداخله نماید.

پدر احمد جهان رابه خاطر خطرین لادن هوشدار داده ودرین راستا، احمد اشاره کرد به بنیانهٔ قوماندان احمدشاه مسعود در پارلمان اروپا در بهار سال ۲۰۰۱، که جهت ایستادگی ومبارزه مقابل گروه مذکور، پشتیبانی نهادهای بین المللی را برای افغانستان خواستار گردید، ولی چنانکه احمد افزود، جهان به این اخطار مسعود گوش نداد که بعد از واقعهٔ یازدهم سپتمبر، وقت از وقت گذشته بود...

احمد چنین ادامه داد : حدود پانزده سال از آن تاریخ سپری شده است، بلیون هادالر به مصرف رسید وهزاران نفر جان خود را از دست دادن، که اینهمه به هدر رفت. گروههای مذکور پدرم را زیر نام وبهانهٔ اسلام به قتل رسانیدند، وآنها به این توجه نکردند که پدرم یک فرد مسلمان بود، آنها اسلام را به گروگان گرفته، به اسلام عقیده ندارند، آنها فقط تروریستان هستند.

آیا احمد باهمین ذهنیت خود را مکلف به گرفتن یک نقش فعال سیاسی در ساحةٔ ملی میداند؟ همچنانکه پدرش در همین راستا بعد از برون راندن قوای شوروی، در سمت وزیر دفاع افغانستان فعالیت نمود؟ وی چنین جواب داد: چرا نه! اگر خواست مردم افغانستان باشد، واگر آنها نخواهند، من به وظیفهٔ معلمی اشتغال خواهم داشت.

در اخیر این دیدار ومصاحبهٔ آژانس فرانس پرس، احمد در کنار مقبرهٔ پدر خود که کمی دورتر آن بقایای تانکهای تخریب شده و زنگ زدهٔ شوروی به نظر می رسید، با اطفال دوستداران خود سلام علیکی نمود و جواب آنها را اظهار «محبت» خواند. /

راز ثروت افسانوی کرزی در دویی افشا شد

۲۰می/دویی – دبیل میل : به گزارش اسپوتنیک، روزنامه انگلیسی دبیل میل، با انتشار گزارشی مدعی شد که حامد کرزی یکی از بزرگترین امپراتوران مالی دویی است. دبیل میل درین گزارش کرزی رابه فسادمتمم کرد نوشت: مجموع ارزش املاک مربوط به اعضای خانواده اودر دویی، به ۹۰میلیون پوند انگلیسی میرسد. دفتر کرزی تاکنون واکنشی به گزارش نشان نداده است. در سال ۲۰۱۶ نیز روزنامه «بیل وبت مانی» ۰ «سیاست مدار پردرآمد جهان را معرفی کرد که حامد کرزی درین رده بندی جایگاه نخست را داشت و براساس آن حامد کرزی بطور میانگین ۸۲میلیون دالر سالانه بدست آورده وحودود ۲۴۵میلیون دالر سرمایه دارد.

همچنین پایگاه اینترنتی «مدیا مس» هم سال گذشته با انتشار گزارشی رئیس جمهور پیشین افغانستان را بعنوان ثروتمندترین سیاستمدار جهان معرفی کرده بود که دفتر کرزی آنرا رد کرده و کذب دانست. بنابر ادعای مدیا مس، تنها سرمایه شخصی حامد کرزی مبلغ ۲۴۵میلیون دالرو همچنین در آمد سالانهٔ از ماه مارچ ۲۰۱۵ تا مارچ ۲۰۱۶، ۸۲میلیون دالر بوده است./

انتخاب‌های عقلانی ارگ در حد فاجعه

۳۱جون/کابل – روزنامهٔ ماندگار: هیچ کشوری در نقشهٔ سیاسی جهان وجود ندارد که چالش و نابسامانی سیاسی را تجربه نکرده باشد و یا کاملاً فارغ از مشکلات ومناقشات سیاسی اجتماعی باشد. اما آنچه کشورها را در این باره از هم جدا می کند، روش و شیوهٔ پرداختن سران و بزرگان آن‌ها به مشکلات و رویارویی باجالشهاست. افغانستان یکی از نابسامان‌ترین وپرچالش‌ترین کشور هادرعرصهٔ سیاست و حکومت‌داری است و گواه این ادعا را در رویکردهای سیاست‌مداران و رهبران این کشور در تمام بزنگاه‌ها و آزمون‌های پیش‌آمده در برابرشان شاهدیم. یکی از این آزمون‌ها که اخیراً بزرگان سیاست و حکومت در آن، در حال ارایهٔ پاسخ و نمایش لیاقت (شما بخوانید نالایقی) هستند، بحث پربایی خیمه‌های اعتراضِ مردمی در برابرِ نامنی‌ها و بی‌کفایتیِ حکومت در قبال آن‌است.

در سیاست‌گذاری و حکومت‌داری در سطوح داخلی و خارجی، بحث «انتخاب عقلانی» از میان گزینه‌های رقیب، درس اول بنیادی دانش سیاست است؛ یعنی اگر انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و گزینه‌ها، معیاری غیر از عقلانیت و دوراندیشی یابند، به‌حتم کشتی حکومت‌ها در توفان مشکلات به صخره‌های سخت برخورد خورد و آخرالامر درهم خواهد شکست. ما در روزهای اخیر به موازات پربایی اعتراضات مردمی و پاسخ‌های ویران‌گر حکومت مشاهده کرده‌ایم آن‌چه که محلی از اعراب نداشته، عقلانیت و شعور سیاسی بوده است.

در همان دوازدهم جوزا، روز تظاهرات خودجوش مردمی به داد خواهی از قربانیان حوادث انتحاری، لیاقت و عقلانیتِ حکومت و به‌ویژه ارگ را در هیأت به خون کشیده شدن راه‌پیمایان مشاهده کردیم. اگر آن تظاهرات با شلیک نیروهای امنیتی به فرمان حکومت به خشونت کشیده نمی‌شد، مسلماً سیر حوادث پس از آن نیز قابلیت بیشتری برای مهار و کنترل نظم عمومی می‌یافت. انتخاب عقلانی ارگ و کاردانی آن در همان آغاز ماجرا، شلیک بر پیشانی محمدسالم ایزدیار و زهر چشم گرفتن از دیگران بود–بی‌خبر از آن که این شلیک و محاسبهٔ غلط، به اعتراضات اسقامت و انگیزهٔ مضاعف بخشید و تا امروز خیابان‌های کابل و اتاقِ فکرِ ارگ با این اسقامت و انگیزه درگیر است.

در مرحلهٔ بعد که روز به خاک‌سپاری شهید محمدسالم ایزدیار بود، حکومت و گارنیزئون کابل به‌جای پیش‌گیری از حملهٔ تروریستان بر تجمع مردم، فقط به پیش‌بینی و خواب‌گرزاری اکتفا کرد و چنین محاسبه کرد که اگر مردم این هشدار و پیش‌گویی را جدی گرفتند، آهنگ اعتراضات خاموشی می‌گیرد و اگر جدی نگرفتند، حملهٔ تروریستان و وحشت ناشی از آن، خود گلیم اعتراض‌ها و تجمعات مردمی را برمی‌چیند و دست مردم را از یخن حکومت رها می‌سازد. این خطای محاسباتی، منازعهٔ میان مردم و حکومت را وارد مرحله یا فاز سوم کرد.

در فاز سوم، سران حزب جمعیت اسلامی افغانستان که با مشاهدهٔ سه انفجاریایی، خطر مرگ و توطیه علیه موجودیت خویش را با گوشت و جان لمس کردند، به حمایت جدی از معترضان وارد کارزار شدند. این مرحله خطرناک‌ترین مرحلهٔ است که دولت و حکومت موجود را قطببندی کرده است. یعنی کسانی که بخش مهم و بزرگی از دولت و حکومت موجود را تشکیل می‌دهند نیز، به صف معترضان پیوسته‌اند و همهٔ خواست‌ها و مطالبات‌شان را به نشانی ارگ حواله می‌کنند. یعنی در یک طرف، بخش بزرگی از مردم افغانستان قرار گرفته‌اند و در طرف دیگر، آقای غنی و تیم خاص او و اشخاص و جریان‌هایی که پتانسیل پیوستن به ارگ و مقابله با معترضان را دارند.

درین مرحلهٔ خطرناک نیز انتخاب عقلانی ارگ، چیزی جز بازتولید مشکلات و افزودن بر حجم آن نبوده است. غنی احمدی و مشاورین دور و بر او، هنوز هم «خطر» را جدی نگرفته‌اند و همچنان سعی بر پاک کردن صورت مسأله و تمسک جستن به حیل‌ها و ترفندهای فارغ از منطق و عقلانیت سیاسی و دور زدن مردم را دارند.

به جنبش درآوردن گلبدین وتقاضای اعلام موضع از طرف او، دعوت شورای علما به صدور حکم علیه معترضان وخیمه‌نشینان، یارگیری از بزرگان قوم و قبیله در ولایات مختلف به حمایت از ریاست‌جمهور، انداختن سرفه‌های افطاری درارگ برای جلب همکاری وهمراهی برخی حلقات همسواستفاده از موج احساسات آنها در فرصتهای مناسب ونیز راه‌اندازی برخی شایعات و ایجاد برخی راه‌بندی‌های خودساخته جهت بدنامی معترضان، جلوه‌یی از انتخاب‌های عقلانی حکومت احمدزی است!

با این حساب معلوم است که عقلانیت از نظر ارگ، صرفاً دسیسه چینی و استفادهٔ ابزاری از امکانات دولت برای ماندن در قدرت و حفظ اقتدار به هر شیوهٔ ممکن است. به چنین عقلانیتی، عقلانیت ابزاری و فاقد اخلاق و اصول سیاسی می‌گویند. چنین عقلانیتی حتّاً اگر در برخی موارد گلیم منازعه و چالش را برچیند، پتانسیل عظیمی از شورش و ازهم گسیخته‌گی را در زیر پوست و استخوان جامعه ذخیر می‌کند. جامعهٔ افغانستان و سیاست‌گری در بستر آن، پیچیده‌گی‌ها و دشواری‌های فراوان خود را دارد. احمدزی اگر در مواجهه با مشکلات و آزمون‌های سیاسی مانند اعتراض‌های اخیر مردمی، فقط به مغز متفکر خود و مشاورهٔ مشاوران خاص خود و تک‌روی در قدرت اکتفا کند، ختم داشته باشد که هر قدر حمایت بیرونی و بین‌المللی هم داشته باشد، بالاخره در یکی از دره‌های تصمیم‌گیری سقوط خواهد کرد.

آن‌هایی که در ارگ به غنی احمدزی مشوره به افطاری دادن، بسیج نیروهای قومی، بیرون کشیدن کارت‌های قبیله‌یی، گردن‌کشی در برابر خواست‌های برحق مردم، اشاعةٔ تهمت بر معترضان و توزیع پول به این و آن را می‌دهند، خواسته یا ناخواسته طرح سقوط نظام و رفتن کشور به سمت جنگ‌های خیابانی را ریخته‌اند. به هر صورت، انتخاب باغنی است: اصلاحاتِ پیوسته یا سقوط گام به گام!^(نقل از سایتی در انترنت)

انجنیر عبدالصبور فروزان

تلویزیون ژوندون

مظهر تعصب زبانی و قومگرایی درافغانستان دربخش گذشته نگاشتم که داؤوددرسال ۱۳۵۲ فرمان صادر کردتا در تخار، بدخشان، فاریاب، قندز، بلخ و بغلان، کسانیکه دوخانه دارد، یک خانه اش گرفته وبه پشتون های قبایلی و کوچی داده شود، اگر دو باغ داشته باشد، یکی آن به این ناقلین سرحدی داده شود، وزمین های آنها بین کوچیهاو پشتونهای قبایلی که همهٔ آنها ازقبایل ماورای خط دیورند به مصارف بیت المال نقل داده شده اند، تقسیم گردد.

این عمل داؤود یک ظلم عظیم درحق مردم بومی آن سرزمینهابودو آن مردم بیگناه هرقدر فریاد و فغان کردند، کسی به دادشان نرسید، وداؤود ازقوای نظامی استفاده کرد ونگذاشت کسی ازآن فرمان سرکشی نماید، حتی زمانیکه آن مردم ظلم دیده برای دادخواهی نزد داؤودبکابل آمدند وبه اوعارض شدند، داؤودکه ایمانش به خدا وبه رسول اضعیف بود، وبه هدایات قرآنکریم بی احترام بود، دوباره فرمان داد ودرعریضهٔ این عارضین نوشت «هیچکس حق شنیدن عرض این عارضین راندارد . ! »این امر داؤود راکه به قلم سرخ نوشته شده است، تعداد کثیری ازالهل خیرهٔ کشوردیده اند. درواقع داؤود بااین عملش به حرب من الله و رسول برخاست، بیخبرازینکه خدایی وجوددارد که وعده کرده «من حق مظلوم را ازظالم حتماً گرفتنی هستم.»

چون داؤود بیشترگرایش به روسهای کمونیست داشت ودرصدد بود تا به هرقیمتی شود، چه به قیمت جان، چه به قیمت ایمان وجه به قیمت وطن، رضایت سران کمونیست رادرکاخ کرملین حاصل نماید، وثابت بسازدکه ازبندگان خاص آن بارگاه است، لذا چنین فرمانی صادرکه نشان دهدکه ازمانیفست کمونیستها پیروی میکند، که درآن تقسیم جبری دارای و اراضی بین مردم امر شده است. (مراجعه شود به مانیفست کمونیسم، اثر لین.)

ازجانبی داؤود که داعیهٔ میان تهی پشتونستان رادرسداشت، وسنگ پشتونیسم را، نسبت به خنهای دوسره، سخت تربرسینه میزدل فکرمی کردکه باین عمل ظالمانه اش یکی خوشودی رهبران کمونیسم رادر مسکو حاصل نموده، ودیگراینکه به پشتونهای قبایلی آنطرف دیورند، که هیچ دلسوزی ودلچسپی به افغانستان نداشته وبنده وچاکرگوش بفرمان پنجایی ها اند، نشان داده است که آنچه دراختیارداردفدای آنها مینماید، به آرامش وثروتمندشدن آنها وتضعیف اقوام غیرپشتون می اندیشد. درواقع داؤود این عمل خودرایک تیر ودوفاخته میشمردکه هم کرملین خوشنودباشدوهم پشتونهای قبایلی برای آزادی پشتونستان نام نهاد به غیرت می آیند- که هرگزنیامدند !

اما بیخبرازینکه خدای لایزال موجوداست، قادرمطلق وقویترین ازهمه اقویاست ورضایت اوپهتراز رضایت خدای کمونیستها(برژنف) است. اگر داؤود به کتاب خداآشنایی میداشت، وتنها به نام خودکه داؤود بود می اندیشید، هرگزاین کاررانیی کردواین فرمان را نمیداد وبه روی آن عارضین بیگناه ومظلوم سیلی نمی زد، واگرکرده بود، زمانیکه آن عارضین به دادخواهی نزدش آمدند، ازکرده پشیمان میشد وبه دربار خدای لایزال توبه واستغفاری نمود، که مگر خداوند(ج) ازظلم وجنایت اویگذرد، وملئفت میشدکه خداوندمتعالم فرموده «ای داؤود من تراپادشاه ساختم بروی زمین، پس حکم کن میان مردم به عدل. از هوای نفست پیروی مکن که ازراه خدا گمراهت میسازد. هرآنکی ازراه خداگمراه شد، مر او راست عذاب شدید به آنکه فراموش کرده که روزحسابی است.»(سورهٔ ص آیهٔ۲۶).

به حقیقت که داؤود ازین فرمان خدا وهدایت قرآنکریم سرکشی کرد وبه سرنوشتی دچارشد که همان برژنف که به پایش عزت وایمان خود راریخته بود، اورا باآل وعیالش ستمکش کرد وسرنگون ساخت. کفنی نبرد وجنازه اش را کسی نخواند وچون جسدی بی ارزش در گودالی انداختنش، قبری برایش نساختند ودعایی برایش نکردند، و خداوندمتعالم اورا مایهٔ عبرت برای دیگران ساخت – وعدهٔ الله حق است. داؤودفراموش کردکه خدایی وروزحسابی است، عدالت نکردو اسیرهوای نفس وخواهشات قبیله پرستی شدوبه عذاب شدیدمتبالا شد. اما شادروان شهیدبرهان الدین ربانی یگانه زعیم مستقل، بادانش وبا دیانت، آزاد وسربلند درطی تاریخی که به آن افغانستان نام نهاده اند، از فرمان خداوند(ج) وتعالیم قرآن مجید آگاه بود وزمانیکه همان مردم تخار، بدخشان، قندز، فاریاب، بلخ وبغلان که به داؤودعارض شده بودند نزداستادشهید عارض شدند که زمین، خانه وباغهای شانراکه داؤود غصب کرده به قبایلیان ناقل داده بود، برایشان مسترد شود، استادشهید وسعید (رح) برای حصول رضای خداوندانديشید وبه کتاب الله وپیام الهی مراجعه کرد، قضاوت به حق وعدالت کرد ودستوردادکه تمام دارییهای غصب شده، با مالکان شرعی واصلی آن برگردانده شود.

این دستوراستادمغفور درآن لحظات حساس که گلبدین، مزاری و دوستم اتحادناپاکی راساخته بودند، وبه همدستی وهدایت فوج پاکستان ورهبری جنرال حمیدگل پشتون پاکستانی جنگ تمام عیار رادربرابر دولت ومردم افغانستان براه انداخته بودند، مولوی نبی ومولوی خالص وحقانی ازدولت قطع علاقه کرده وبرای ساختن لشکرجاهل ومزدور طالبان باپاکستان همکاری مینمودند، پیرگیلانی برای احیای درآمدش (معاش مستمری) درپاکستان تپ وتلاش میکردو آقای مجددی در هوای ریاست جمهوری دیوانگی میکرد، این دستوراستادمرحوم کار آسانی نبود.

هیاهوی برپاکردند که آهای استادربانی وحدت ملی راجریحه دارمی سازد، اوهو، پشتونها را ازصفحات شمال بیرون میکند! درپهلوی قوم ومردم خود ایستاده،وازین نوع پروپاگندها وزهرباشی ها فراوان بود،

مگراستاد برهان الدین ربانی همهٔ اینها رانادیده گرفت وبه حکم خداکه میفرماید «به تحقیق که خداوندمتعالم به شماامر میکندتا امانات رابه اهل آن بسپاریدوآنگهی که میان مردم حکم میکنید به عدل حکم نمایید » عمل نمود، که رضای خدا ورسولش درآن است .

ازآنروزهابخاطردارم که روزهای دشواری بود، اطرفیان ومخلصان استاد راوسوسه میکردند که این دستور، آن پشتونهای ناقل راکه زمینها، خانه هاوباغهای غصبی راتصاحب شده اند، شورانیده وگلبدین برآن آتش هیزم میریزاند واكثر آن ناقلین باگلبدین باهوخواهانش بودند، امااستاد معظم خم برابرونداشت ودلشادازآن بود که ازحکم خدا ورسولش پیروی کرده، که نصرت خداوندی هم حاصل شدو تاامروزآن زمینها، خانه هاوباغها دراختیار مالکین اصلی آن قراردارد، وحامد کرزی باهمه سپاه ولشکراجنبی که در اختیارداشت، چیزی کرده نتوانست.

این بود قضاوت وعدالت میان دوحکم ضدانسانی و انسانی، دوحکم خلاف شرع و شرعی، وما شاهدبودیم که برعکس داؤود، استادبرهان الدین ربانی درجهٔ رفیع شهادت برد وجنازه اش باکرام واعزازخاص که چشم بیننده راخیره میساخت بدرقه شد، نه تنهادوستان، حتی دشمنانش هم مجبورشدندکه به او دعای خیرنمایند، ومزارش زیارتگاه نیکان و مخلصان گردید. عزت ودلت ازجانب خداست، خداوند راستگوی حقیقی است. آنهایی ازپشتونهای ناقل قبایل و کوچی که آن باغ وزمین وخانه هایی راکه به زوروظلم ازصحابان شان گرفته شده اند، دراختیار دارند، هروجب آن برایشان حرام است وهرقمهٔ که ازحاصل آن زمینها میبردارند، توهٔ ازتوه های آتش دوزخ دربطن هایشان است، وخداوند میفرماید «ای کسانیکه ایمان آورده اید نخوریدمال یکدیگررا به ناحق مگراینکه معاملهٔ تجارتنی به رضایتمندی یکدیگرتان درمیان باشد، و مکشیدخویشتن را، هر آیینه خداوند بالای شماهربان است. وهرکی چنین کرد یا بیعدالتی وباطلم، پس درآرمش به دوزخ» (النساء آیهٔ۲۹)

هر کی از امرخدا ورسولش سرپاززند، به عذاب الیم دچارشودوجهنم مأوایش گردد. چون آن زمینها، باغهاوخانه های مردم قطغن زمین با ظلم وزور ازیشان گرفته شده بودوبه ناقلین پشتون و کوچی داده شده است، وآن حاکمان ظالم (محمدگل مومند، شیرخان خروتنی ودرمجموع دولتمندان آنزمان) که چنین ظلمهایی مرتکب شده اند، ازدیدگاه اسلام نه تنها مستحق مجازات خداوندی بخاطرظلم واستبداد شان هستند، بلکه بخاطر غصب جابداهای مردم، جایگاه شان جهنم است. کسانیکه آن املاک راغصب کرده اند، نیزش یک ظلم آن حاکمان ستمگرانند که درجهٔ گناه شانرا بیشتر وعذاب شانرا شدیدتر میسازدوخداوندمتعالم می فرماید که درحکم خیرهمکاری کنیدنه درگناه وبیعدالتی.

آیهٔ مبارکهٔ فوق میفرماید که شمااگرمسلمان هستید وبه خداوندوروز آخرت ایمان دارید، مال وزمین وخائٔ یکدیگرتانرا به ناحق نگیرید، و درصورتی میتوانیدتصاحب شوید که آنرا ازصاحبش خریده باشید، آنهم درصورتیکه شماهروددرخرید وفروش رضایت کلی داشته باشید. به اساس این آیه، کسانیکه زمین وباغ وخانهٔ مردم شمال ووادی شمالی را تصاحب کرده اند، کارخلاف امرخداوندی کرده اند، درواقع به جنگ باخدا ورسولش برخاسته امرخداوندی رانادیده گرفته مخالف این آیهٔ شریفهٔ قرآن پاک عمل کرده اندوخداوندمتعالم ایشان رامستحق عذاب جهنم می شمارد.

درین آیهٔ مبارکه باریکی لطیفی موجوداست که حتی درخیدوفروش اگررضایت کامل صاحب مال درفروش آن نباشد، معامله شرعی نیست و انسان مؤمن ازتصاحب آن خودداری نماید، چراکه برایش حرام است. در کتابی خوانده بودم انوشیروان عادل راضرورت افتادتاقتصری بنماید قطعه زمینی راکه برای این منظورانتخاب کردند،درجوارش خانهٔ بود که نه تنها مانع اعمار قصرمیشد، بلکه اززیبایی قصرهم میکاست. بزرگان واعیان در باربه شاه پیشنهاد کردند آن خانه باید خریده شود وجزو عمارت قصرگردد. انوشیروان ماموریش راموظف ساخت تاصاحب آن خانه رانزدش بیاورند که خودمعاملهٔ خریدوفروش را انجام دهدتا درآن بیعدالتی نشود. مالک خانه راآوردندکه بیه زن پیری بود . انوشیروان به اوگفت که درآن زمینی که درجوار خانهٔ توست میخوامم قصری آبادکنم، و مصلحت اهل فن چنین شده که اگر خانهٔ ترا ضمیمه سازیم قصرتکمیل میشود، ورنه کار ناقص می ماند. بیه زن گفت من رضایت ندارم که خانهٔ خودرا بفروشم. اعیان وبزرگان دولت پیشنهاد کردندکه مقدار گزافی ازطلا ونقره که چندین بار بالاتراز قیمت اصل خانه است، به پیرزن داده وخانه اش رابایست خرید، ورنه قصرتکمیل نمیشود. بزرگان دولت چنین کردند امابیه زن اصرار کرد که من خانه ام را نمی فروشم . باز آنان مشوره کردند وچارهٔ نیافتند وفیصله شد که بهر قیمتی که میشود خانه را انوشیروان باید ازبیه زن بخرد چون بدون آن آنچه برای قصرطرح شده به اکمال نمی رسد.

قضیه رابه انوشیروان پیشکش نمودند. او که شاه عادل بود، گفت: «هدایت خداوندی است که درمعاملهٔ خریدوفروش رضایت فروشنده باشد، اگر خانهٔ بیه زن راطوری بخرد که رضایت اوحاصل نشود، من به روزحساب توان آتش دوزخ ندارم، بروید طرح قصررا تغییردهید و آنراطوری اعمارکنید که دیوارقصر بادیوارخانهٔ او متصل باشدو مشترک تابرای دیگران مایهٔ عبرت گرددکه عدل انوشیروان ازاین قراربودکه همسایهٔ قصرش بیه زنی است ورضایت خداوند(ج) حاصل گردد.»

چنین است تفاوت بین شاهی که ترس خدا درسینه اش بود ویاداگار تمدن بزرگی ازخود بجاگذاشت، بامیران وشاهان مؤخرما ! ای بسا که خانه، زمین وباغ مردم دردورانهای شاه نادر وشاه ظاهر وشاه داؤود به زور وظلم گرفته شده ویاداگار ستم وبیداد ازخوديجاگذاشتند !

از زمان کودکی بخاطردارم که درقریهٔ ازقراء کابل که گذرهای پوستان دوزهاو زنده بانان نام داشتند، زندگی میکردم. باشندگان آن دو

گذر همدیگر راخوب می شناختند وبا هم سخت الفت داشتند، وهرکی می دانست که فلان خانه ازکیست وکی باجی کیفیت زندگی می نماید. این دو قریه بیشتر به یک خانواده شبیه بودند که مردمان شان سال ها درکنارهم زندگی کرده بودند. آنان در غم و شادی هم شریک ودرجوری وناجوری هم می رسیدند. زندگی درمحلات به آرامش میگذشت واین امردرچهرهٔ هریک باشندگان خوانده می شد.

خانه هادریوستین دوزها وزنده بانان همه گلی بودندو کوچه هایش در زمستان بایرف مسدودی شد ودراوایل بهارگل ولای آنهاتابه زانومی رسید. از نمای این خانه هاانسان ازدورخوانده میتوانست که مردم آن غریب اندواكثر کسبه کار. تنهاکسی که باخ ودب درآنجامیزبست وخانهٔ خوب داشت، شخصی بودکه برایش ناظرحکیم میگفتند وناظر هاشم خان مشهوربه هاشم جلاد بود، که بعدهااز آن گذر کوچ کرد. کس دیگری که درآن محله زندگی میکردوهمه به حیرت به اومی نگریستند، مهدی ظفربود، که شخص مبارز وعدالتخواه بود، وشهیدش ساختند.

درآغاز بهار کوچی هادراطراف این دوقریه خیمه وغزدی می زدند، وشامگاهان صدای زنه‌ای کوچی بااطفال بابهرنه و سروروی پریشان، آرامش قریه رابره‌م میزد، که در عقب درهرخانه شنیده میشد که «د خدای لپاره وژه یم دودی راوی »که دل مردم محل را توته توته میکرد وهرغذایی که داشتند باایشان نیم میکردند. قضا رازمانیکه قهرمان سده های مردم افغانستان، عبدالخالق هزاره، نادرغدار راکشت وملت راازظلم وبیداد اونجات داد، خودعبدالخالق رابه جرم به جهنم فرستادن نادرغدار، مثله کردند وبه شهادت رساندند. بهرحال جسدنادر رادربالای تپهٔ مرنجان که درحوالی قریهٔ پوستان دوزها وزنده بانان قرارداشت، دفن کردند، ظاهر پسرش پادشاه شد، اوعادت براین داشت که هرزعیمی از هرکشوری به افغانستان می آمد، اورا بالای قبرپدرغدارش میبرد. وی تلاش میکردتا فقر وفاقهٔ مردم کشور را که اکثریت مطلق ملت درزمان وی به آن دچاربودند، ازانظار اعیان وبزرگان کشورهای دیگرکه به افغانستان می آمدند، پنهان نماید، اکثر آنهارا از جاهایی گذرمیدادند که سروصورت بهترداشتند.

می گویند یکی ازروسای جمهوری ازکدام کشوره افغانستان آمد، پس از آنکه ظاهر اورا ازمحلات عصری کابل که بسیارمحدود بود، گذراند تا به اصطلاح نشان دهد که افغانستان هم درزیر زعامت اوپیشرفته وترقی کرده، به گل گذاری برسرقبرپدرش برد. آن مهمان درعرض راه متوجه خانه های پوستان دوزها وزنده بانان شد که از سروروی آنها فقر و بیچارگی می بارید ونمایانگرزندگی واقعی درتحت زعامت شاه بود. آن رئیس جمهورامر دادتاموترش توقف کند وبه افرادخودهدایت داد که از آن خانه هاکاسی نمایند. ظاهر نزداین مهمانش بسیار کم آمد و آنچه می خواست پنهان کند، هویداشد ! فردای آنروز ظاهر امر کردکه همه خانه های گذریوستین دوزها وزنده بانان راتحریب نمایند. مردم آن دادو وایلا کردند که آشیانهٔ ماراخراب نساز واوخداپترس، که ما در همینجا شادیم ودرهمین قریهٔ خودآبادیم، اما ظاهر به فریادشان گوش نکرد ویول ناجیزی برای آنهاپرداختند که به کرایهٔ خانهٔ هم برابرنبود وهمهٔ آنها را که بازندگی شهری خوگرفته وبزرگ شده بودند، به کوتل خیرخانه روان کرد که درآنجانه آب بود ونه زندگی، وازشهروآبادی فرسخ ها دور.

ازاین عمل ظاهر صدهاخانواده دربدر ویی خانمان شدند، وبیازدست دادن کلبهٔ غریانهٔ شان تااخیر عمریی خانه ویی آشیانه شدند، باآل و عیال و اطفال شان آواره گردیدند. چون اکثر اهل کسبه بودند، کسب و کار خودرازدست دادند ومنبع عایدشان ازبین رفت، بیچاره وینوا و دستنگر شده اطفال شان ازمکتب بازمانده، خانواده هاییکه فقیربودند فقیرتر گردیدند. ظاهر حتی قبرستانهای این مردم راوریان کرد ومرده هایشان را بیجا نمود. اوباین عمل خود یک زندگی فقیرانه اما آرام آن مردم رابره‌م زد. اما درمقابل، دربرابراه سینه های سوخته راکمایی کرد که دعای آن بینوایان اوراگرفت، وتخت وبختش راسوخت. خود و آل وعیالش آواره ودربدر درملکهای بیگان گردید. به تحقیق که «کذالک العذاب ولعذاب الاخره اکبر ولو کانو یعلمون.»

این بود نمونهٔ ازیک شاه بی عدالت و بی خبر ازحکم خدا، که محمد گل مومند وشیرخان خروتنی ازمقربان درباراو بودند، که اولی بازور وظلم، ودومی بانبرنگ وحيله زمینها، خانه هاوباغهای مردم رابدون رضایت شان گرفته وبه پشتونهاو کوچیهای قبایلی دادند. این دونه ترسی از خدا کردند ونه پروایی به آه ونالهٔ مخلوق اونمودند، ظلم کردندوبیعدالتی نمودند، که قرآن این اعمال راست نکوهش نموده است.

شدیدتر اینکه خداوندمتعالم بارهادرقرآن عظیم الشان مؤمنین راهوشدار داده که از خوردن مال یکدیگربرهیز نمایند که عاقبتش عذاب الیم و آتش دوزخ است، وپیامبر گرامی فرمود که مال وجان وعزت یک مسلمان برمسلمان دیگر حرام است. مناسب می بینم که به اساس آیات روشن قرآن شریف وهدایات پیامبر گرامی به آوازبلندبگویم که آن پشتونها و کوچیها که چه درشمال وجه دروادی شمالی خانه هاوباغها و زمینهای مردم راغصب کرده اند، همه برایشان حرام است وهمه درروز آخرت آتش جهنم رانصیب میشوند، وپیامبر گرامی(ص) فرمود که زمین یکدیگر را غصب نکنید ولو اینکه به اندازهٔ یک بلست باشد، که آنرا خداوندمتعالم درروز قیامت به گردن تان حلقه ساخته وبآان به هفتمین طبقهٔ زمین فرو برده می شوید. (مطلب ازحدیث معروف به حدیث شبر) .

اماجای تأسف است آنهایکه دربرابراین ظلم خاموشی اختیارکرده بودندو خوب میدانستند که خوردن مال مردم به ناحق درآیین محمدی (ص) حرام قطعی، ظلم عظیم وگناه نابخشودنی است، چه جوابی نزد خداوند(ج) داشتند؟ درواقع ایشان باآن ظالمانی همدست شدند که خود راشریک ظلم ظالم ساختند، که گناه عظیمتر ازآن نیست، وسختی عذاب قیامت درانتظار ایشان است. (دنباله درصفحهٔ هشتم)

ماجرای هلاکت اسامه از زبان همسر چهارم‌ش
۲۳ می/ ناکجاآباد- چهارمین و جوانترین همسر اسامه بن لادن برای نخستین باردرباره آنچه که درشب کشته شدن همسرش توسط نیروهای ویژه امریکا درپاکستان اتفاق افتاد، صحبت کرد. به نوشته روزنامه دیلی تلگراف، امل بن لادن، چهارمین وجوانترین همسر بن لادن، رهبر سابق القاعده و مغز متفکر حملات تروریستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، وقایع شب کشته شدن بن لادن را به دست نیروهای ویژه امریکادرایت آبادپاکستان برای “کتی اسکات کلارک” و “آدریان لوی” برای کتابشان “تبعید: کوچ اسامه بن لادن” تعریف کرد.وی به همراه شش فرزندش ودرکنار دو تن دیگر ازمسران اسامه بن لادن در خانهٔ امن در اییت آباد پاکستان زندگی می‌کردند. همسر اول بن لادن “نجوا” که در نوجوانی با وی ازدواج کرده و ۱۱ فرزند ازین لادن داشت، دو روز پس از حملات ۱۱ سپتامبر همسرش را ترک گفت.در ساعت ۲۳ روز اول می سال ۲۰۱۱ و پس از صرف شام و شستن ظرف‌ها و نماز خواندن بن لادن به سرعت خوابید. در خیابان همه چیز در تاریکی مطلق بود چون برق رفته بود.

امل بن لادن اما خواش نمی‌برد و صداهایی عجیب از خیابان می‌شنید. صداهایی که شنیده می‌شد شبیه به طوفان یا صدای باد نبود. کمی بعد پرده‌های اتاقی که داخلش بودند، شروع کرد به تکان خوردن.بن لادن بلند شد، هراس در چشمانش موج می‌زد و گفت: امریکایی‌ها آمدند.



شلوارش را پوشید. سپس صدای بلندی شنیده شد وخانه لرزید.

امل ادامه داد: شب تاریکی بود و نمی‌شد به خوبی دید در خیابان چه اتفاقی می‌افتد. روی چمنهای آنطرفتر دوهلیکوپتر ارتش امریکا به همراه ۲۴ تن از نیروهای ویژه امریکاپیاده شده به سمت ساختمانی که ما در آن بودیم، آمدند، دربالکن طبقه دوم “سحام” و “خالد”پسر ۲۲ساله‌اش می توانستند نزدیک شدن نیروهای امریکارا نظاره کنند. بن لادن به پسرش گفت نزدش برود؛ خالد تفنگ کلاشنیکف رابده‌ست گرفت درحالیکه مادرش میگفت از۳سالگی اصلا شلیک نکرده بود. امل و سحام کودکان را که گریه میکردند آرام می کردند. آنها به طبقه بالارفتندو یکدیگر رادر آغوش گرفتندوشنیدند که نیروهای امریکادر ورودی رامنفجر کردند.بن لادن در نهایت با گفتن اینکه آنها مرا می‌خواهند، به خانواده‌اش گفت به طبقات پایین بروند. اما مریم و سمیه، دختران بزرگتر خودشانرا دربالکن مخفی کردند و سحام و پسرش به طبقه پایین رفتند .

دربطه بالا، امل به همراه پسرش حسین و بن لادن در اتاق ماندند و دعا کردند. امل گفت می‌داند کسی درمیان اطرفیان و نزدیکان به آنها خیانت کرده است. نیروهای امریکاحالادرهال بودندو درهراشکستند. یکی ازین نیروها که عربی صحبت میکرد ومیدانست خالد، پسر ۲۲ساله بن لادن چه شکلی است، اورا صدا کرد و زمانیکه خالد خودش را از داخل بالکن نشان داد، به اوشلیک کرد.سمیه ومریم به سمت نیروهای امریکاهجوم بردند اما بزودی دستگیرشدند.رابرت اوئیل، از نیروهای امریکا از هال گذشت و به سمت اتاق رفت. امل در مقابل شوهرش بود که به سمت اوئیل حمله‌ور شد اما یکی به او شلیک کرد و سایر نیروها وارد صحنه شدند.

امل احساس کرد که خون ازپایش می‌چکد وبروی زمین افتاد. اوئیل کمی بعدبه بن لادن شلیک واعلام کرد که او مرده است. تعداد بیشتری از نیروهای امریکاوارد اتاق شدند و خشاب‌هایشانرا روی بن لادن خالی کردند. امل افزود: من هشیار بودم اما بایدخودم را به مردن می‌زدم. چشمانم را بستم و تلاش کردم تا تنفس را هم کوتاه و آهسته انجام دهم. حسین پسرم را که نظاره گر همه ماجرا بود نیروهای امریکا گرفتند و روی صورتش آب ریختند. سمیه و مریم را هم گرفتند و به سمت بدن پدرشان بردند واز آنها خواستند تا جسد را شناسایی کنند. ابتدا، مریم اسم جعلی گفت اما سمیه گفت که حقیقت را بگوید چون آنها پاکستانی نیستند.صفیه ۱۱ساله هم که در بالکن خودش را قایم کرده بودتوسط نیروهای امریکاپیدا شدوبه او گفتندجسد را شناسایی کند.

بعدها همگی جسد بن لادن را شناسایی کردند. خیریه همسرین لادن هم جسدرا شناسایی کرد.سرباز امریکا که عربی صحبت میکرد، گفت : همگی جسد را اسامه بن لادن شناسایی کردند. بچه‌ها و بزرگترها. نیروهای ویژه امریکا بعداً جسد را از روی پله‌ها پایین کشیدند و از ساختمان خارج شدند. جسد خالد پسر ۲۲ساله بن لادن در میانه پله‌ها بود



و مادرش تلاش کرد تا صورت پسرش را ببوسد اما نیروهای امریکا نگذاشتند. امریکایی ها جسد را داخل یکی از هلیکوپتر ها گذاشتند و رفتند .امل در ادامه گفت: من حسین را محکم گرفته بودم و می شنیدم که امریکایی ها دارند می روند. کمی بعد، شنیدم که همسایه ها وارد ساختمان شده می پرسند آیا کسی زنده هست یا خیر؟ (روزنامهٔ ماندگار، ۳جوزای ۱۳۹۶)

رئیس حکومت وحدت ملی دردیداربا هیأت اداری مجلس نمایندگان گفت “بندش راه‌ها و ایجاد مزاحمت برای مردم” از سوی معترضان در

خیانت زمین فروشی احمدزی. رئیس جمهور فاشیست و دیوانه ملت مظلوم افغانستان!

۱۳ جون/کابل – ۸صبح کابل: مجلس نمایندگان اقدام رئیس‌جمهور محمد‌اشرف غنی (احمدزی) را برای فروش موازی ۱۴۴ جریب زمین دولتی به شرکت الکوزی را غیرقانونی توصیف کرد، و با اکثریت آرا قرارداد فروش این زمین ها را رد کرد. اعضای مجلس می‌گویند رئیس جمهور بر اساس ماده ۶۶ قانون اساسی، نمی تواند بدون حکم قانون، ملکیت های دولتی را به فروش برساند. محمد اشرف غنی (احمدزی) ۱۴۴جریب زمین دولتی را در نزدیک میدان هوایی کابل به بهای هر متر مربع به دو و نیم دالر، معادل ۱۶۷ افغانی به شرکت الکوزی فروخته است.

قیس حسن عضو کمیسیون مواصلات و مخابرات نمایندگان در جلسه رأیگیری دیروز این مجلس، اقدام احمدزی را برخلاف قانون وغیرعادلانه توصیف کرده گفت زمین های دیگری که در کنار میدان هوایی کابل قرار دارد، توسط حکومت به برخی از شرکت های دیگر هر مترمربع ماهانه به دوهزارافغانی به اجاره داده شده است. حسن با تاکید براین که اقدام احمدزی غیرقانونی است، گفت بر اساس قراردادی که برای فروش زمین امضا شده، قرار است شرکت الکوزی به منظور توسعهٔ میدان هوایی کابل در ساحه ۱۴۴جریب زمین ۶ فابریکه بسازد.

امارئیس جمهور ۱۰برابر بیشتر از نیاز این شرکت برایش زمین دولتی را فروخته است. براساس قانون زمین‌داری، حکومت حق دارد به منظور تشویق سرمایه گذاران، زمین های دولتی را قبل از این که بفروشد، به سرما یه گذاران اجاره بدهد. در همین ساحه، به چند شرکت، زمین دولتی به اجاره داده شده که در بدل هر مترمربع دو هزار افغانی در ماه اجاره می دهند. اما در همین ساحه یک متر مربع جناب جلالت‌ماآبان، بزرگان و خدمتگاران وطن به ۱۶۰ افغانی فروخته اند.در این قرارداد تخطی شده، یکی، برخورد دو گانه هم شده، اتحادیه تاجران افغانستان رسماً به کمیسیون ما عارض شده که آنان سال ها انتظار کشیده و درخواست صد ها میلیون دالر سرمایه گذاری به دولت را فرستاده‌اند، ولی به آنان یک جریب – دو جریب زمین – کسی نداده است. حالا ما روی مسایل سیاسی اش بحث نمیکنیم، اما فقط و فقط همین کار خلاف قانون ، خلاف اصول ، خلاف منطق و خلاف منطق، انسانیت ، شرافت و اسلامیت شده است.

منور شاه بهادری دیگر عضو مجلس نمایندگان، اقدام رئیس‌جمهور برای فروش زمین دولتی به شرکت الکوزی به قیمت نازل را خلاف قانون دانسته گفت : «هر آن زمینی که به شرکت الکوزی داده شده، خلاف قانون، خلاف عرف تجارت و از طرف کمیسیون های موظف [مجلس] رد است.»

مجلس نمایندگان پس از ارایه گزارش کمیسیون مواصلات و مخابرات در زمینه فروش ۱۴۴ جریب زمین دولتی از سوی رئیس‌جمهور اشرف غنی (احمدزی) به شرکت الکوزی، رأی‌گیری کرده و با اکثریت آرا آن را رد کردند. عبدالرووف ابراهیمی رئیس مجلس، پس از اعلام نتیجه رأی‌گیری گفت : «با اکثریت رد شد که قرارداد غیر قانونی است.»

این زمین فروخته شده از ملکیت های اداره مستقل هوانوردی است که از سوی غنی احمدزی به شرکت الکوزی به منظوراحداث شش فابریکه تولیدی به قیمت هر مترمربع دو و نیم دالر فروخته است. گفته می‌شود شرکت الکوزی از حامیان اصلی اشرف غنی احمدزی در انتخابات ریاست‌جمهور ۲۰۱۴بود.

محمد اشرف غنی احمدزی در ۷ ماه میزان سال گذشته، شخصاًسنگ تهداب اعمار ۶ فابریکه تولیدی شرکت الکوزی در نزدیکی میدان هوایی کابل را گذاشت . طرح فروش این زمین به قیمت دو و نیم دالر، در جلسه ۲۷ جوزای سال ۱۳۹۴ از سوی وزیر مالیه نیز به کابینه مطرح شده بود.

مجلس نمایندگان در اوایل ماه جوزا نیز شماری از مقام های مسوول را در باره چگونگی فروش زمین دولتی به شرکت الکوزی به این مجلس فراخوانده بود.

اکلیل حکیمی وزیر مالیه درین جلسه گفت این اقدام به منظور تشویق سرمایه گذاران صورت گرفته و شرکت الکوزی در این ساحه ۳۵۰ میلیون دالر سرمایه گذاری کرده و زمینه صد ها فرصت شغلی را ایجاد می کند.

حکومت درحالی ۴۴جریب زمین دولتی را به شرکت حامی انتخاباتی رئیس‌جمهور به قیمت ۱۶۷افغانی فی مترمربع فروخته که هر بسوه زمین در نزدیک میدان هوایی کابل به ده‌هاهزاردالر معامله میشود. بر اساس این معامله ،فی مترمربع زمین فروخته شده از سوی رهبری دولت برای شرکت الکوزی به ارزش کمتر از یک سیرکچالو تمام شده است. در حال حاضر یک سیر کچالو در بازار در حدود دو صد افغانی خرید و فروش می شود. /

آقای غنی گفت که تظاهرات در چوکات قانون، حق شهروندان کشور است، اما بندش راه‌ها و ایجاد مزاحمت برای مردم پذیرفتنی نیست. توسل به توطیه، ارباب و تهدید، می‌خواهد دادخواهی شهروندان را خفه کرده و حق مشروع مردم را نادیده بگیرد.

در این اعلامیه آمده است: سپردن زمام امور امنیت به آدم‌های مشکوک و غیر قابل اعتماد مردم، سبب شده است که اعتماد مردم نسبت به رهبری نهادهای امنیتی از بین برود و دامنهٔ بحران و ناامنی در کشور فـرـاگـیـر

محمد طاها کوشان

فریمونت، کالیفرنیا

هله خواهر! هله مادر!

دستها زیر زنج، تیره و زار می گریم

آه و افسوس و وش وای ، به دردی نخورد

هله خواهر! – هله مادر! کمرم را تو ببند

تبر و تبر و تفنگ را تو به دستم باز ده ، تا روم باز به جنگ

همچو یک شیر ژبان، دست و پا و سر اهریمن را

بگنم، توتِه گنم ، باز به آتش فگنم

چَوَن که: پاس ناموس ندانند و حیا نشناسند! دلی از سنگ دارند

بی ادب ، جاهل و کور و همه بی هوش هستند

لیک! بازم ، قلم و کاغذ و درس و سبقم یاد آمد

من که دانش دارم، خرد و هوش دارم

باید اندیشه کنم، خرد خویش بکار اندازم

تا ره صلح و سلم را بتوانم یابم

بار خدایا ! شود آنروز که این بی خردان

طالب و داعش و طالب پرور ، به سر عقل آیند

دست از کشتن و آتش زدن ، بردارند؟

پاس ناموس بشناسند؟ و در صلح بگشایند؟

و همه دانا و خرمند گردند؟!

کاین: یک خواب و خیالیست و محال.

چهارشنبه ۳می ۲۰۱۷



شمس الحق حقانی

کلیدین راکتیار به قولش وفا کرده اسمش را کریستوف راکتیار گذاشته مسیحی شد

در زندگی گاهگاه آدم سخت برسر دوراهی قرار می گیرد که مجبور گردد راه دهل یا راه سرنی را انتخاب کند، اما خیلی سخت تر و دشوارتر از آن، حالتیست که آدم مجبور شود یک پا را به راه دهل وپای دیگر را به راه سرنی بگذارد، که نتیجه آن احساس درد شدید و طاقت فرسای چره گی خواهد بود . زمانی که جناب راکتیار به صدای بلند شعار ضد امریکا داده و می گفت :

“اگر در موجودیت امریکا من به کابل بیایم، ازامت رسول الله نباشم “، آن گاه او نمی دانست که دست تقدیر و سرنوشت تصمیم چه بازی های را با وی داشت و روزی او را مجبورخواهد کرد که گلیم امارت اسلامی اش را در زیر پرچم امریکا در افغانستان پهن کند !

بلی راکتیار سخت بر سردوراهی قرار گرفته بود، از یک سو او که سال ها سنگ اسلام به سینه کوبیده بود، حالا نمی توانست خلاف حکم صریح قرآن که می فرماید : یا ایها الذین آمنو افوفو بالعقود (ای کسانی که ایمان آورده اید وفا کنید به عهد و پیمان تان !) عمل کند .

اما از جانب دیگر او در کشورش شاهد حق تلفی ها و ظلم و بیدادگری های روز افزون در حق قوم مظلوم و ستم دیده پشتون بود ، که برای نجات شان از آن حالت رقت بار به پیشوایی و امارت جناب ایشان شدیداً نیازمند بودند !

پس در نتیجه راه دیگری برای شان باقی نمی ماند به جز اینکه برای نجات قوم پشتون، امت محمد را ترک گوید ، که ایشان نیز با کمال شجاعت و متانت دست به این کار زده بعد از غسل تعمید، در اولین اقدام به توصیه و رهنمایی بی بی گل احمدزی نامش را از کلیدین راکتیار به کریستوف راکتیار تغییر داد، شمشیراسلام را غلاف کرد ، و صلیب مسیحی به گردن آویخت !

بعد جناب کریستوف راکتیار برکینه و کدورت های ماضیه علیه امپریالیسم امریکا یک بیل خاک فراموشی انداخت، و دست محبت و دوستی به سوی انکل سام دراز کرد، به پیروان و هوادارانش دستور داد که :

منبعد در مبارزه شان هرگز دست به خشونت نزده، حتی خشونت دیگران را با زبان نرم و با مهر و محبت جواب دهند، و اگر کسی سیلی به صورت شان حواله کرد، به جای پس سیلی زدن، طرف دیگر صورت شان را به سوی ضارب پیش کنند!

جناب کریستوف راکتیار خیلی کوشید که لقب مشهور و منفور راکتیار را به گلاییار تبدیل نماید، و برای اجرای این کار بار بار دخترانش را به سفارت امریکا فرستاد، اما چون نام قدیمش در همه اسناد و مدارک بین الملل ثبت شده بود، متأسفانه دیگر امکان تغییرش موجود نبود.

پس مجبور که جناب ایشان با لباس نو و هویت و شخصیت جدید ولی باهمان نام منفور گذشته بقیه عمر را سپری نمایند، بلی این است مفهوم عدالت وانصاف درین جهان بی انصاف ! /

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰)دالر = یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر= یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

تلویزیون ژوندون ... (دنباله ازصفحهٔ هشتم)

نام های خوشحال مینه ورحمان مینه وغیره را که اصلاً نه خوشحالخان ختک ازین کشوربود ورحمان بابا، برمحلات نامدار کابل باستان گذاشتند وبه پیروی از هتلرفاشیست، که هر جا را که تصرف میکرد لوحهٔ دکانها و عمارات را که به زبان مردم آنکشورمی بود، پایین کرده به آلمانی می نوشت، ظاهر وداوود هم هرچه لوحه ونامی که دربالای دکانها، مغازه ها، عمارات دولتی بود وبه فارسی نوشته شده بود،پایین کردندوهمه را به پشتو ساختند، که تاکنون بعضی از آنهاموجود است وبرای باشندگان کابل نامأنوس میباشند، مثلاً مردم کابل با کلمات شفاخانه، دواخانه، زایشگاه وفروشگاه، مهمانخانه ومکتب وغیره انس والفت وآشنایی داشتند، نسبت به کلمات روغتون، درملتون، پوهنتون، ژیزنتون، میلسمه تون و شوونزی وغیره، که نمی دانند واکنر مفهوم آنهارانمیدانند و همهٔ این کلمات، مصنوعی است، ساخته پشتوتولنه میباشد که حتی درخود زبان پشتو هم نامأنوس اند!ویک پشتون دهاتی به معنی ومفهوم آن پی برده نمی تواند — گو اینکه هیچ پشتون حلالی هم معنی و مفهوم واژه های مامدگل مومندی را نمی فهمید!

همین ظاهر و داوود تعداد کثیری ازمردم را در تعمیری که آنرا (پشتو تولنه) نام گذاشتند، جمع کرده بودند و آنها از آغازصبح تا شام کار دیگری بجز ساختن کلمات مصنوعی پشتو نداشتند. همهٔ آنهازبول بیت المال بخاطرهمین کاریپهوده که بیشتربه جعلکاری مانندبود، ومشکل وطن را بیشتر ومردم آنرا ازهم جداساخته است، معاش گداف می گرفتند واز امتیازاتی برخوردار بودند که دیگر مامورین هرگز نداشتند.

ایکاش ظاهر وداوود بعوض اینکه این تعداد وسیع مردم را که برای ساختن کلمات مصنوعی پشتو، که هیچ دردوطن رادوا نمیکرد، جمع کرده بودند، دانشمندان وساینس دانان رابرای تحقیقات علمی جمع می کردندومعاش میدادند، تا از آغازصبح الی شام تحقیقات علمی میکردند تا ما امروز گدای در بیگانگان نمی بودیم! (دنباله دارد)

اگرچنین برنامه در کار است، نیاز است که مقام‌های امنیتی، اعضای پارلمان را توجیه کنند. این خیلی مسخره‌است که اعضای پارلمان حکومت را متهم به همکاری با داعش کنند و برای کشورهای همسایه بهانه لازم فراهم سازند. برخی از کشورهایدرمنطقه تصور می‌کنند که داعش خطری بسیار کلان برای امنیت آنان است وبرخی ازمقامهای افغانستان هم وسیله دست برخی از کشور ها قرار گرفته‌اند و با آنان همکاری می‌کنند، تا داعش رود آمو را عبور کند.

گروه داعش هم روی ترس این کشورها سرمایه‌گذاری میکند. پس ازاینکه مرگ قاری حسیب لوگری رهبر گروه داعش در افغانستان (شاخه خراسان داعش) اعلام شد، این گروه اعلام کرد که معاویه ازبکستانی راجانشین قاری حسیب لوگری کرد. شخصی به اسم ملاعبد القادر که گفته می‌شودمتولد ولایت کنراست، نیز معاون معاویه ازبکستانی اعلام شده است.

معاویه ازبکستانی، عضو پیشین حرکت اسلامی ازبکستان است. طاهر یلداش رهبر این سازمان در سال ۲۰۰۹در وزیرستان هدف یک هوایمای بدون سرنشین امریکایی قرار گرفت و کشته شد.

جنگجویان این گروه در سال ۲۰۱۴ به رهبر داعش بیعت کردند. گفته می‌شود که طالبان پس از بیعت جنگجویان حرکت اسلامی ازبکستان به داعش، با آنان درگیر شدند. برخی ازجنگجویان این سازمان در اثر این درگیری‌ها کشته شدند و شمار آنان خیلی کم شد. اما با آن هم حضور معاویه ازبکستانی در راس داعش در افغانستان، مایه نگرانی برای کشورهای آسیای میانه است.

وقتی برخی از نماینده‌گان عربده می‌کشند و برخی از مقام‌های امنیتی را متهم به همکاری با داعش می‌کنند، نگرانی برخی از کشورهای همسایه دو چند می‌شود. هرچند دولت در روزهای اخیر با سپردن برخی از زندانی‌ها به کشور های همسایه برای جلب اعتماد آنان تلاش کرد، اما موضع گیری برخی از نمایندگان مجلس و متهم‌سازی برخی از مقام‌های دولتی به حمایت از داعش، موضع افغانستان را تضعیف می‌کند.

حکومت باید با تمام نمایندگانی که به برخی از مقام‌های حکومتی برجسب می‌زنند، مذاکره کند و نهادهای امنیتی هم این نماینده گان را توجیه کنند، تا در آینده بازی مسخره اتهام تکرار نشود.

اگر دولت می‌خواهد با هزینه‌های کلان مالی و انسانی، قلمرو داعش را تصرف کند، باید برای نگهداری آن قلمرو از تهاجم احتمالی طالبان هم آماده‌گی داشته باشد. هیچ موجه نیست که نیروهای امنیتی هزینه کنند، جایی را بگیرند ولی بعد، دولت نتواند آن جا را حفاظت کند و طالبان بر آن مسلط شوند./

شمس الحق حقانی

آشتی کفر و اسلام !

جنگ وکشتار اشرار وکفار یا اسلام وکمونیسم درحقیقت قصه لحاف ملا نصرالدین بود. توجه دوستان رابه دیالوگ گلبدین راکتیار ویار قدیمش شهنواز تنی درین باب جلب میکنم



شهنواز تنی : خدمت عرض سلام و احترام میکنم

گلبدین راکتیار: السلام علیکم ورحمت الله و برکات برادر تنی صاحب!

تنی : نمیدانم بعدازچندسال سعادت زیارت برادر گرانقدر نصیبم شده ؟

گلبدین: تنی صاحب گمان کنم حدود سه دهه از آخرین دیدارمان میگذرد، شاید مشیت وخواست خداوند متعال درین بوده که امروز باز همدیگر را در آغوش بگیریم نمیدانم خودت به قضا وقدر و مشیت الهی عقیده مند هستی یا مانند قدیم همه این چیز ها را قبول نداری ؟

تنی: صاحب مهم اینست که ما هر دوه به پشتونوالی باورداریم باقی مسائل چندان در خوراهمیت نیستند

گلبدین: بکلی درست گفتی، من با این نظر تان صد در صد موافقم. تنی: گلبدینه صاحب ما اینرا بایدمنحیث یک واقعیت اجتماعی بپذیریم که عصرایدیولوژیها گذشت ، کمونیسم شکست خورد واسلام در حال شکست خوردن است و درد افغانستان را فقط پشتونوالی می تواند مداوا کند!

گلبدین: بازهم با نظر تان صد درصدموافقم،دوای درد افغانستان فقط پشتونوالی و یک دولت مقتدر مرکزی مانند امارت امیر عبدالرحمن خان است ، یک حکومت مقتدر مرکزی که وحدت ملی به معنی واقعی کلمه در آن پیاده گردد نه اینکه ملیت های مختلف چون شلغم ، کچالو و زردک را در یک دیگ انداخته و از وحدت ملی سخن گفت .

تنی: کاملاًبافرموده هایتان موافقم واقعادولت وحدت ملی کنونی همینطور است

گلبدین : از وحدت ملی واقعی زمانی میتوان سخن گفت که درکشوریک زبان، یک قوم، یک مذهب و یک امیر وجود داشته باشد! تنی: صاحب! یک زبان ، یک مذهب و یک امیر را می توانم برای افغانستان تصور کنم اما عملی کردن یک قوم راکمی مشکل می پندارم خصوصاً که هزاره ها ، اوزبک ها و ترکمن ها از نعمت ریش انبوه محرومند!

گلبدین: بدون شک که عملی ساختن وحدت ملی بدون قبول قربانی ممکن نیست و ما پشتون ها مجبوریم که برای عملی کردن این وجیهه ملی باز هم مانند همیشه قربانی داده و مقداری از ریش و پشم خود را به هموطنان هزاره، اوزبک ها و ترکمن خود بدهیم !

تنی: بسیار نظرعالی گلبدین صاحب! من هم حاضرم مقداری از بروت های خلقی ام را قربانی کنم ! /

و نباید هیچ گوشهٔ از کشور درکنترول عناصرضددولتی باشد. اما سوال اساسی اینست که چرا کسانیکه خود را بزرگان مشرقی و نماینده‌های ولایات شرقی در پارلمان معرفی میکنند، دربرابر حضور طالبان دربخش هایی از ننگرهار حساسیت نشان نمی‌دادند؟ مگرتالبان یک سازمان دولتیست که حضورش درروستاهای ننگرها قابل نگرانی نباشد.

پیشروی‌های داعش درمناطق زیر کنترول طالبان صورت گرفته، داعش توره بوره و پچیراگام را از کنترول طالبان بیرون کرده، در آن مناطق دولت حضور نداشت. جنگجویان داعش تاحال حتایک پاسگاه دولتی را هم سقوط نداده‌اند. چرا آنانیکه خودراصاحب نفوذ و نماینده مشرقی معرفی میکنند، دربرابر طالبان حساسیت نداشتندوندارند؟ واز دولت میخواهند که نیرویفرستد و داعشیان را از پچیراگام و توره بوره براند واگر چنین نکنند، بزرگان مشرقی خود وارد عمل خواهند شد. چراکسانیکه در پارلمان حضور دارند، به فکر تصفیه آن مناطق ازکنترول طالبان نبودند؟ شاید عدهٔ یخواهند که خون عسکر وپول دولت، صرف بازگیری برخی از مناطق به سود طالبان شود.

برخی از نمایندگان پارلمان ازین فراترمیروند ودولت راهمکارداعش می خوانند. حکومت هم به این رفتار زننده، جواب نمی‌دهد. حکومت بجای اینکه علیه این افرادواشخاص درمحاکم اقامه دعواکندواز آنان سند بخواهد، خاموشی اختیارمیکند. نهادهای امنیتی بااین نمایندگان باید گفتگو کنند. تردیدی نیست که برخی ازسازمانهای استخباراتی درمواردی تلاش میکنند تادشمنان خودرا بجان هم بیندازند. درزمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق هم، روس‌ها تنظیم‌ها را به جان هم می‌انداختند. وقتی دشمنان دولت به جان هم می‌افتند، فشار بر نیروهای امنیتی کم می‌شود.

حقیقت زیبا

واژه ها هر یکی فرار کنند
واج ها منسجم نمی گردند
درد دارند همه ورم کردند
خامه هاشکوه وشرر دارند
با هزارعقده های دیرینه
بهرغمنامه صفحه کم دارند
خامه ها زار زار می نالند
واژهٔ (آشتی) و(آزادی)
لای اوراق عصرمی جویند
خش وخش زمزمه کنان گویند:

ما که ازسال هاست مهجوریم

با ترانه ز عشق از شبنم
ازشگوفه زغنچه ازشاهین
باحقیقت زقهرمان به زمین
ازطلوع، ازصفا ز رنگ بهار
بانگ آزادیگی نجابت پار
نه نوشتند از طراوت صبح
نه نوشتند ز اختران دیار
نه نوشتند صلح و یا بلبل
نه نوشتند عشق را از دل
همه تبدیل شده به افسانه
اسم این واژه هایمان همه
گشت بیگانه راز بیگانه

همه رویشدندو خواب وخیال
زیرعنوان آرمان محال
سینه هاساخت لانه غمخانه
درقدیم آزمان که بودونود
زیراین سقف بس بلندو کیود
قصه دیو و آن پری قشنگ
کوه قاف،اهریمن، پرند و سپند
صلح و آزادیگی ترنم ما
گویی اسطوره شدفسانهٔ چند
آخ برماست یک مصیبت(جنگ)
خون وباروت وانتحار و تفنگ
گفته اند هرحقیقتی تلخ است
تنبیه خوب به اتمام بود
تلخی راه کوه قاف ددان
انقلاب وقیام مردم ماست
بیرق صلح می شود که نشاند
بر بلندا ز تار ونغمه جان

خامه ها !!! این حقیقت زیبا را
می نویسد قامت رعنا
زودباشدطلوع نزدیک است
قهرمانان ز جا بلند شدند
سایهٔ سیاه هرسکوت شکست
همه بگسسته هانیم پیوست
دیوباصدفریب در جال است
تا که درمردم دم وحالست
پای هراققلاب آزادیست
خیزش مردم آخرش شادیست
مشت برفرق جنگ ویربادیست
مژده وحدت است و آبادیست

بوی ابر بهار می آید
بعداین سالهای دور ودراز
پاسخ انتظار می آید
هر علمدارصلح و آزادی
لشکر شهسوار می آید
اشک شادی وخنده های شیرین
بار، بار، بار و بار می آید
همه اهریمنان ، همه دیوان
پای خود سوی دار می آیند

۱۳۹۶/۳/۱۷

حکومت و پارلمان: بازی مسخره اتهام

۱۹جون/ روزنامهٔ ۸ صبح : حضور گروه داعش در ولایت ننگرها و پیشروی آنان یک نگرانی مشروع وجدی است. گزارشها نشان میدهد که آنان برخی از روستاهای دوردست ننگرها راازکنترول طالبان خارج کرده‌اند. جنگجویان داعش حالا درارتفاعات توره بوره هم مستقر شده‌اند. به نظرمی‌رسد که داعش، طالبان را ازآجامجبور به عقب‌نشینی کرده است. پیشرویهای اخیرداعش برخی ازبزرگان قومی ونمایندگان مشرقی درمجلس رانگران کرده است.

آنان میگویند اگر نیروهای امنیتی جلویپیشروی داعش رانگیرند، آنان با استفاده ازظرفیتهای محلی دربرابرداعش قرارمیگیرندومی‌جنگند. تردیدی نیست که اشغال بخشی از قلمرو افغانستان توسط داعش، مایه نگرانی است

مژده به شاگردان لیسهٔ عالی رابعهٔ بلخی

کتاب « خاطرات یک تعداداستادان وشاگردان لیسهٔ رابعهٔ بلخی» انتشاریافت، وحاوی شرح حال و خاطرات ایام تحصیل بخشی ازشاگردان، وچند تن استاد بوده، متحیت یک کتابک عکس های فردی ، جمعی و خانوادگی آنان می باشد. گردآورندهٔ کتاب ماری خلیلی نصری، و مهتمم آن محمدقوی کوشان اند. علاقمندان برای دریافت آن با تلفون یا آدرس ادارهٔ هفته نامهٔ امید تماس حاصل فرمایند.

نشانی جدید جریدهٔ امید این است :

MOHAMMAD Q. KOSHAN / OMAID
12286 ASHMONT CT. # 202
WOODBIDGE, VA 22191-7075 USA

ازمشترکین ارجمند ودوستانی که خواهان مکاتبه با ادارهٔ امید هستند، تمنا

می شود تا چک اشتراک واعائهٔ شان را در وجه محمدکوشان، و دوستانی

که مطلبی می فرستند، به همین نام و نشانی ارسال بفرمایند. نشانی

پوستی و حساب بانکی پیشین جریده، دیگر قابل دسترس و استفاده

نیست .

فاروق ذکی کابلی کلبدین مار هفت رنگ است خدایا !

به ملک ما چرا جنگ است خدایا
دلم تنگ و دلم تنگ است خدایا
به هر سو کشتهٔ از بی گناهان
دل طالب مگرسنگ است خدایا؟
گروه داعش و یاران راهش
همه بی دین وبی تنگ است خدایا
یکی ازدست دشمن درفغان است
دگر با دوست درجنگ است خدایا
به هر کار وطن نیرنگ و تزویر
ندانم این چه فرهنگ است خدایا
یکی درفکرنان و آب غرق است
دگربرخوان هفت رنگ است خدایا

اساس رنج و هم پربادی خلق
حنیف اتمر لنگ است خدایا
غنی بیمار وعبدالله ست درخواب
(گلو) چون مار هفت رنگ خدایا
به ملک ما چرا جنگ است خدایا
دلم تنگ و دلم تنگ است خدایا

دوستان ران قانون اساسی ... (دنباله ازصفحهٔ اول)

وقادر باشند که به رئیس جمهور مشورهٔ بی آلایش وطندوستانه نه قوم پرستانه و مغرضانه تقدیم نمایند؛ از احکام قرآنی و درک گفتار نبوی پیروی نمایند نه فصل شاهان بابل.

درامریکا یک ضرب المثل است که میگویند اگر رفتارش به مرغابی میمانند، صدایش به مرغابی میمانند و رنگش به مرغابی میمانند؛ درمرغابی بودنش جای شک نمی ماند.
روش دستگاه امنیتی غنی احمدزی بیکفایتی است، گفتارش بیکفایتی است و عملش بیکفایتی است، که جای شک برای بیکفایت بودن شان باقی نمی ماند.
میگویند یک عمل نامناسب دفعهٔ اول جانس بوده میتواند، اگرعین عمل باردوم تکرارشود بازهم گفته شده میتواند که خیر یک تصادف بود ولی اگر بارسوم عین عمل نامناسب صورت گیرد آن عادت است.
برای دستگاه امنیتی دولت فربیکاری و بیکفایتی عادت شده است، که نه برای رئیس جمهورمفید است نه بحال مملکت.
اگراینهاوظیفهٔ خودراجدی میگرفتند با وحشتگرایان همدست نمییوند، عزاداران ملاعمر رادستگیرنموده محبوس میساختند، بگمان اغلب اینروزهای خونبارنصیب ملت نجیب افغانستان نمیشد.
مگردرعوض، آنهاپامو ترهای شیشه سیاه و کارتهای شناخت تاپه Aمفتخرشده از هر جا بدون تلاشی گذر دارند و میتوانند هر نوع سلاح حمل کنند، هرنوع انتحاریون را درطرف یک ساعت درمحل عملیات مطروحه منتقل سازند! جای خجالت و سر افکندگیست که قوماندان اعلاى مملکت اشرف غنى احمدزى به قواى عسکرى که امادهٔ دفاع اندو تقاضاى امرعملیات دارند اجازهٔ آتش نمیده‌د، امامیگذازدکه بر روزه داران و نمازگزاران جنازه آتشبارى صورت گیرد.
جانیان محکوم بقتل را چون برادران ناراضى یا مخالفان مسلح اند، برای فریب مردم امراعدام داده اماعملی نمیکند؛ امامیتواند دریکروزدهرات رفته ده ها نفر را از وظیفه اش برطرف کند و یا به جهان شکایت کند که میدان جنگ همه درجنوب است و چرا در شمال مملکت نیست؟

یکی ازدوستان من که درادارهٔ پلیس نیویارک موقعیت بلنددارد، چون خبر شد که جهت شرکت درفراغت تحصیلی نواسه ام ازدانشگاه کولمبیا، به نیویارک آمده ام، لطف نمود تامرا درقسمتهای نیویارک که برای همه درب باز ندارد آشنا سازد.
هر جائی که میرفتمیم به او «باس» گفته احترام میکردند مگرایاآنهم او شیلدپلیسی خودرا به محافظن، پیلوت کشتی ومحافظین جاییکه فقط برای پلیس مجازبود از جیب میکشیدو نشان میداد، محافظین برایش سلام داده میگفتند لازم نیست شما شیلد تانرا نشان بدهید . اومیگفت میدانم، اما استثناییدو جودداشته باشد.
پلی! درقسمت امنیت بایداستثنا قابل قبول نباشد.

درمیدان هوائی کابل وقتیکه ازسکَنترمیگذشتم بالاپوش وهمهٔ آنچه باید سکن میشد برای معاینه گذاشتم یکی ازموظفین برابم گفت داکتر صاحب لازم نیست شمامیتوانیدبگذرید؛ برایش گفتم متشکرم امانسى خواهم خلاف مقررات و مسوولیت شما رفتار کنم.
این مثالها از آن جهت بود تاشما رابه کسانیکه احساس مسوولیت دارند وقانون را مراعات میکنند، آشنا سازم.

maid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 26, Issue No. 3 , June 15, 2017, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct. # 202 . Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

چرا مو ترها شیشهٔ سیه داشته باشد؟ کسیکه دراین نوع مو ترسواراند چون از شیشهٔ شفاف میترسند حتماً در زیرکاسه نیم کاسهٔ دارند، که اگرمتصدیان امنیتی با کفایت میبودند به ایشان و هیچ کس دیگر بجز مامورین مسلکی و مستحق نه کارت Aتاپه میزدند و نه نمبر پلیت مخصوص برایشان اعطا میکردند.

بیکفایتی ارگانهای امنیتی دولت علاوه از ینکه مسوولیت این کشتارها بدوش شان است، مشکلات پولی، اقتصادی، اجتماعی وفزیکی که این بیکفایتی شان خلق نموده بالغ برملیونها دارخساره به زیر بنای اقتصاد محل و کل افغانستان وارد میکند نیز بر آنها تکیه میزند. اگر سکَنتریکه چین رضاکارانه به افغانستان پیشنهاد کرده بود پذیرفته میشد امکان نداشت که این نوع قاتلان وخونخواران ازدایرهٔ امنیتی گذر نمایند. چرا این امر صورت نگرفت؟ سوال بزرگیست که باید ارگانهای (بی) امنیتی اشرف غنی احمدزی جواب دهد.

من طرفدارسقوط دولت و سیستمی که فعلاً ریشه دوانیده نیستم، کسانیکه به این نظریه موافقت ندارند اختیاردارند امانن سقوط رژیم رابه نفع مردم و کشور نمی بینم. اگر رئیس جمهور بخواسته های معترضین جواب مثبت ندهد آنهاقانوناً حق دارنددربلند کردن صدای خودحتی درمحضر مهمانان خارجی که به کابل جهت اشتراک درجلسات کنفرانس کابل میانبدوام دهند. این حق شان است!

شورای صلی که تاحال تحت کنترول ای اس آی بودوطالبان سه آتشه در آن عضویت داشتند فقط بنام بود، وازبودجهٔ هنگفت تقریباً سالانه نهصد ملیون دالرتحت نام کمک به مدارس، به طالب کمک مینمود؛ امیدتحت ریاست محترم خلیلی شکل دیگر گیرد ومفید ثابت شود ورنه به آن شورای صلح نه بلکه شبههٔ از آی ای در کابل نام داد. در چنین شرایط بیکفایتی کنونی نه امنیت امدنیست و نه صلح، بلکه متأسفانه امکان دارد مملکت بگودال قهقرا نزدیکترشده تباهی خودرانسل کنونی تجربه نموده لطمهٔ بزرگ بر روحیات اطفال خود راتماشا خواهند کرد.
نمیدانم چگونه این مسوولیت دینی ودنیائی راغنی احمدزی بدوش حمل خواهد کرد؟ قوماندان اعلاى کشور باید قومانده راخود بدست گیرد، نگذازد که دیگران آب را خت نمایند و ماهی بدست آرند. اگررئیس جمهور برغیر پشتون اعتماد نکند باورکنند که افغانستانی ها قطعاً براو ودیگر بیکفایتیهای دولت اواعتماد نخواهند داشت.

به نظرم، فعلاً روش غنی احمدزی روش عبدالرحمان خاننیست و روش هاشم خانست! آنها یچیزنام بد برای محمد زی ازخود چیزدیگر باقی نماندند؛ دیده میشود که غنی احمدزی اگر روش بیعدالتی وبیکفایتی را اصلاح نکنند، اوهم عین کار رابرای احمدزینها انجام خواهد داد. غنی احمدزی باید روش دهگانهٔ یک لیدر خوب را از نظر بگذرانند تا بتواند دوسالیکه از ریاست جمهورییش مانده امنیت دایمی ووحدت ملی راستین همگانی، نه وحدت ملی قوم و قبایل پشتون رابمیان آورده قایم مقام سازد.

من به جوانان رشیدباشاهات و وطندوست، این جرأت و عدالتخواهی شانرا تبریک گفته تحت هیچ نوع فشارو توهینهای بی معنی که نمایانگرتریهٔ فامیلی گویندگان آن است تن در نداده با رفتار عدم تشدد، مدنی و مسالمت آمیز دوستی قانون اساسی و چنگ به آترا که تا خلالی آن اصلاح شود ادامه داده بر تقاضای تامین امنیت، عدالت خواهی، نابودی طالبان، مساوات و برابری خود دوام دهند؛ آینده از شماست و موفقیّت در انتظار تان است.

محترم رئیس جمهور! بی عدالتی و عدم مساوات وکشتارها و خانمانسوزی ها ییحد از حدگذشته که عاقبت نیک با خودندارد. این وظیفهٔ ایمانی و وجدانی تست که به سوالات واعتراضات این جوانان وفامیلهای سوگوارجوابات قناعت بخش تهیه کنی و وعده بدهی که حادثهٔ چهارشنبه پنجم ماه رمضان وروزجمعه هفتم و روز شنبه هشتم رمضان بار دیگر تکرار نمیشود. نوشته ام را با یک غزل عشقری که عنوان دارد «بس است» پایان می بخشم.

جانم کشیدی ازستم ای ناجوان بس است
تاچندمینمائی مرا امتحان بس است
خوش آمدی که آمدهٔ همرهٔ رقیب
آوردهٔ براینم این ارمغان بس است
بارمز ویا کنایه ترا گفته ام دمام
باغیر آشنائیت ای نکته دان بس است
ازحد گذشت یهوده گفت وشنودما
درین ماویارچنین وچنان بس است
گفتم یکام من شوی گشتی یکام غیر
دیگر حیات بردن من زین جهان بس است
تا بم دیگرماننده وفرسوده طاقتم
بردوش من نهادن بار گران بس است
قطع طمع کن عشقری ازاله این زمین
چیزیکه میرسدبواز آسمان بس است

راه همین است ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

*درآیت ششم سوره اخلاص هیچ ذکرجهود و نصارا نشده. این حکم در باره همه پیروان کتب آسمانیست از آدم تاخاتم(ع). هرکس ازومن هرمزی وگبروترسا ویهودی دربرمیگیرد. من تنها از مسلمان ها را چند نمونه رامینویسم: همانند مسیلمه کذاب وپیروانش، یزیدوپیروانش، سلمان رشدی وپیروانش، ملامحمدعمروپیروانش، اسامه بن لادن، رهبر داعش و پیروان و هواخواهان و پشتیبانان شان را که به دستور دشمنان اسلام و مسلمان ها آیات قرآن را پسگوش وهوش یابه

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه دسمبر ۲۰۱۷ ارسال دارند.
تلفون ۰۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct. #202 . Woodbridge VA 22192 U. S. A.

مینمایند.

**** آیات و برگردان آن از تفسیر کشف الاسرار اثر خواجه عبدالله انصاری (رح) و نوشته امام احمد مبیندی. برداشته شده است./**

تولیز یون ژوندان ... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

خداونداین طایفه راز زمرهٔ آنهاپی حساب مینماید که از آیات وهدایات اوسرباززده اند ودرحقیقت امردربرابر آنچه که خدای عزوجل فرموده، سر کشی کرده اند، وخداوند درحق چنین کسان فرموده وحق رابا باطل خلط نکنیدوحق راپنهان نکنید در حالی که آن را می دانید.)» بقره، آیهٔ ۴۲ .

همهٔ این بی ایمانیها، سر کشیهازفرامین الهی، مظالم وبیعدالتیها، همهٔ این اذیت وآزارمردم، حرامخوریها، کتاب سوزیها، فرهنگ ستیزیها، ویران گریهای آثاروداشته های باستانی ما که ازمذتهابه اینسو ازسلطهٔ سدوزایی و محمدزایی برمردم وملک ما رواداشته بودند، فقط و فقط بخاطریک هدف، یعنی حاکمیت ظالمئانهٔ پشتونها وتحمیل جبری زبان پشتو بر اقوام وملبئیهاتی مختلفهٔ کشور بود، که هرگز وهرگز نتیجه نداد و هرگز به مقصدومرام نخواهد رسید. زمامداران پشتون در زمان زمامداری شان ازهرقاعدهٔ زشتی که بود استفاده کردند تااین هدف ناپاک را به دست آرند.

اما با همهٔ این اعمال ضدانسانی نه تنهائین هدف بدست نیامد، بلکه ملتبهای دیگررا بیدارساخت تاسنگرهای دفاعیه برای خودبسازند، که سبب ایجادفاصلهٔ عمیق میان پشتوزبانها وملتبهای دیگرکشور گردید. مسئول این فاصلهٔ دهشتناک، زمامداران پشتون میباشند. مثلاً محمدگل مومند برای حصول این هدف ناپاک، به اندازهٔ آثار علمی ودانشی کشور را که به زبان های غیرپشتونوشته شده بود، بابیرحمی آتش زد و از بین برد که در تاریخ بشریت کمترینظیرش دیده شده است. مومندبدیخت اغلب آثارنوشثار سنگی، کتیبه های سنگی وآثارناب باستانی کشورراب فرهنگ ستیزی، حیوان صفتی، جنایتکارفرهنگی ازین برد، که لطمهٔ شدیدی برتمدنهای باستانی کشور ومنطقه واردرکرده است، وهرگز قابل جبران نیست.

محمد گل مومند به اندازهٔ فاشیست وضدفرهنگ ودانش بود که برای از بین بردن فرهنگ وزبان اقوام وملتبهای غیرپشتور نامه‌های تاریخی، قریه ها، شهرهاودهکده های باستانی رادر سراسرشمال که همه نامه‌های سچه دلپذیر، پرمفهوم، خوشآیند وخوشآهنگ بودند، وبازگوی تمدنهای بودند که دراین محلات نشو ونمو کرده وبه کمال وپختگی رسیده بودند، به کلمات نامفهوم، ناموزون، مضحک و کریه الصوت تبدیل کرد بطورمثال درولایت بلخ نام زیبای قریهٔ چارباغ گلشن را (شنکی)، نام قریهٔ تاریخی دلبرجبین را (شلخی)، نام قریهٔ باستانی قوش تپیه را که زادگاه علم ودانش بود (منگولی)، نام قریهٔ تاریخی چهلستون را (غندی)، نام پربهای قریهٔ بهاءالدین، زادگاه مولاناجلال الدین بلخی، که امروز جهان به اوافتخارمیکند وبنام پدرمولینای بزرگ بود (شپولی)، نام قریهٔ سلطان خواجه ولی را که جایگاه دانش ودیانت در درازای تاریخ بود (مروندی) تبدیل کرد. نامه‌ای مضحک دیگر چون (دنده کی)، (تندوزی)، (چوغی) وامثال اینهارابجای آنها گذاشت ! قراراحصائیه های گرفته شده، محمد گل مومند نام بیش سه صدقریه و محله و دهکده را درولایات شمال حذف کرده ونام های بی مفهوم و مضحک ونامأنوس و(اوغانی) را بر آنها گذاشت !

بدرت اینکه این نامه‌او کلمات پشتو که برای مردم بومی آن مناطق بیگانه و ناآشناوعجیب وغریب بودند، و آنها جبرا نمی توانستنداین نام ها رابه خاطر بسپارند، بلکه تلفظ آنهم برایشان مشکل بود، این مردم بیگناه که بانامهای اصلی محلات خو گرفته وبه آن افتخارمیکردند، و جزو فرهنگ وتاریخ وزندگیشان شده بود، مجبورساخته شدند که نام های سخیف وبی معنی پشتو راحفظ کنند، حق نداشتندنام اصلی قریه و دهکدهٔ خویش را بزبان آرند. اگر کسی قریه ودهکدهٔ رابنام اصلی آن یاد میکرد، مورد لت و کوب قرارمیگرفت، مجازات میشدوبه پرداخت جریمه مجبور میگردد !

شاهدان عینی میگویند که بیشتر درروز های بازار مردم شاهدصحنه های دلخراش می بودند، مثلاً اگر پیرمردی برای فروش متاعش از قریهٔ به شهر می آمد وناگزیر درخلال صحبت ازبانش برمیآمد که کی است و از کدام قریه است، اگر بیچاره که ازدنباخبر نداشت، نام اصلی قریهٔ خود را که درخون ورگ وحافظه وضمیرش حک شده بود میگرفت، نفرهای مومند به اندازهٔ اورا لت و کوب میکردند که ازالله گفتن می ماندوآن متاعی که برای فروش آورده بود بعنوان جریمه ازنزدش میگرفتند، اکثراً محمد گل مومندخودش درلت و کوب حصه میگرفت وبه این مسأله بسیارجدی بود.

یک شاهدعینی گفت که پدرش صدها پیرمرد بیچاره رادیده که از نام نورقریهٔ خود خبرنداشته باگفتن نام اصلی آن محمد گل مومند خود آنانرا لت و کوب کرده ومجبوره پرداخت جریمه ساخته است. این شیوهٔ غیرانسانی را ظاهر وداوود سخت پشتیبانی میکردند. مثلاً دردورهٔ همین دونفربود که نام زیبای سیزوار را که بعضا اسفندیارهم به آن میگفتندویوانگرتاریخ پربها، تمدن قدیمهٔ شکوفان وآهنگین بود، بنام